

## تأثیر عوامل جغرافیایی بر هنر ایران\*

ولادیمیر مینورسکی

ترجمه الهامه مفتاح\*\*

### چشم انداز

ارتباط هنر با جغرافیا امری واضح است، ولی در مورد ایران این مسئله با آنچه که در سایر کشورها انعکاس یافته، قدری متفاوت است. به عنوان

\* این مقاله در دسامبر ۱۹۳۱ به منظور استفاده‌ی شمار بیشتری از خوانندگان که لزوماً شرق‌شناسان حرفه‌ای هم نباشند، تهیه گردید و هدف آن سعی در معرفی مسائل کلی بوده است و در نتیجه چندان به جزئیات پرداخته نشده است. در پانویست‌ها به مآخذی که تا سال ۱۹۳۱ در دسترس بوده، مراجعه گردیده است. این مقاله در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسیده است.

این مقاله بخشی از:

IRANICA, "Twenty Articles" By V.Minorsky, Publications of the University of Tehran vol.775. 1964, PP. 38-63.

می‌باشد.

\*\* الهامه مفتاح، عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می‌باشد.

مثال: تأثیر سریع محیط و طبیعت بر نقاشان مناظر طبیعی در ایران حائز اهمیت است. جایی که مینیاتوربست‌ها، تهرمانان خود را در محیط‌های کاملاً تصویری با فضا‌های پرنور و صخره‌های خیالی که سنگ‌های عظیم مرجانی را تداعی می‌کند، خلق می‌کنند. نذرتا، آنچنان که در آثار محمدی (قرن شانزدهم) مشهور است، می‌توان مشاهده کرد که در محلی کاملاً ایرانی در سواحل دریای خزر یا ایوانهای کوچک در پست و بلندیهایی سرسبز دامنهٔ آنبوه کوهها، کشاورزان به دنبال گاوهای نرشان<sup>(۱)</sup> در حال شخم زدن، در حالی که پرنندگان سرخ‌ریش روی شاخه‌های باریک درختان همیشه سبز و گله‌های بز در حال جمع‌آوری شدن همراه با نوابی نی چوپانی خسته و ژولیده مو می‌باشند. بیان شکوه و وقار درختان صریحاً خیمه زده بر روی حاضران در محوطه‌های روباز، در واقع بحث و بیان دقیق دربارهٔ خصوصیات محلی خواهد بود. بعداً زمانی که نقاشی از روی طبیعت با قلم موی محمدزمان<sup>(۲)</sup> به واقعیت می‌پیوندد، درمی‌یابیم که صرفاً جزئیاتی از مناظر و دورنماهای ایتالیایی به عاریت گرفته شده است که بهرام گور را همانند یک «سنت جورج» (جورج مقدس) در دامنهٔ

۱. گاو تر «مخصوص شخوزن» مشخصاً در استانهای شمالی (خزر) یافت می‌شود. این مختصر از نظر فعالیت‌های معدنی مهم است. با اینکه چنین به نظر می‌رسد که جایگاه و پای محل تولد وی تیریز یا هرات بوده، ولی طبق نظر سرت. آرنولد در کتاب **نقاشی در اسلام** ص ۱۲۲-۱۳۵. این نظریه که معدنی تن به یک چنین تغییر تابعیت داده باشد، کاملاً بی‌اساس و ساختگی است. بنا به نظر عثمانی، [مورخ عثمانی] در کتاب **مناقب مشروران**، ص ۶۲. پادشاه ۳، محمدی مصرأ اظهار می‌دارد که پسر سلطان محمد تیریزی بوده است.

۲. رک به: ذیل مراکز فرهنگی ایران، شعاع: ۱۱.

بعضی از بلندیهای فلورانس در حال تاخت و تاز نشان می‌دهد. برترید معماران ایرانی احساساتی لطیف و تیزبین داشته‌اند، صرف نظر از جزئیات، آنان به ارزش نقطه‌های درخشان گنبد‌ها که در میان یابانها همچون شمع‌های طلایی عظیم می‌درخشیدند، به هنگام به کار بردن رنگ آبی روشن و درخشان برای آرامش بخشیدن به چشم مسافران، کاملاً واقف بودند. اصولاً، سازندگان، برموادی متکی بودند که دارای همان خواص طبیعی محیط اطراف باشد، و در واقع، جایجایی سرمرهای سفید از اعماق دریا و بسیار دورتر از محل طبیعی‌شان به نظر نمی‌آمد که در میان تهرنگهای خاکستری و زرد زمینهای مرتفع ایران جلوه و رونق داشته باشد. شاید استفاده از سنگهای ایران با رنگهای متنوع ناممکن نمی‌بود، ولی با یک تیزبینی غریزی، معماران عمداً از رنگهای بسیار تیره استفاده می‌کردند تا با آسمان شفاف و آب و هوای محل هماهنگی بیشتری داشته باشد.<sup>(۱)</sup> این چند نکته، تأثیر آبی محیط طبیعی بر هنر ایرانی را از رونق می‌انداخت. همچنان که در اشعار ایرانی، سنسب در هنر نقاشی و هنر مجسمه‌سازی این تأثیر، محدود و کاملاً تابع آثار تجسمی و تزیینی شده است. شاید «طبیعت» بیشترین اثر خود را بر هنرمند ایرانی در زمینه تجلی بوستانها و ریاحین بجای گذارده، یاغهای

۱. چنین به نظر می‌رسد که تنها منطقهٔ یا ساختمانی از سنگهای سفید و سرخ در راه و گبرنده کوچک در منطقه بالای کردستان سوما (شمال غرب ارومیه) باشد. این ایتالیاستانی نادر و کعباب، معادل وهمانندی در سمت مرز ترکیه در قصر خوشاب دارد. رک به: مقاله مؤلف به نام سوما (در فایده‌معارف اسلام، سنگهای دورگ مختص معماران ارمنی می‌باشند).

طراحی شده که در مورد آنها بنا برنامۀ ایشان قضاوت می‌شود.<sup>(۱)</sup> ابداع و ابتکاری ایرانی بوده اند؛ و مستقیماً در ارتباط با آنها سبک خاص معماری در نظر گرفته شده برای جایگاه مخصوص تماشاچیان است که دست کم از عهد ساسانیان شناخته شده بود.<sup>(۲)</sup> ولی خود باغها، هم از حیث نشه و بافت و هم از لحاظ طراوت موضوع شایان توجه هستند. در این رابطه بارزترین و روشنگرترین توصیف، فرسوس است که اعراب در ۶۳۷ بعد از میلاد، از سیفون پایتخت ساسانیان به غنیمت بردند. فرسوس قطیف "qit" به ابعاد ۶۰ ذراع<sup>۳</sup> در ۶۰ ذراع که گال مساحت آن بالغ بر یک چریب می‌گردید. بر روی این فرش، جاده‌ها گویی نمایانگر آبراهها، ساحل رودخانه‌ها و سنگهای گرانهای که نگار آبراههای باریکی را در میان آنها نمایان می‌ساختند و در میان آنها مراکز مسکونی به صورت دیار جلوه‌گری می‌کردند. مرز به شکل قطعه زمینی کشتکاری شده پوشیده از گیاهان و نباتات در بهار آن بود که از تزیین بافته و یا سانه‌های کلا و گلهای نقره‌ای و طلائی و امثال آن تزیین یافته بود.<sup>(۳)</sup>

۱. به اوستای بازی داتر Pairi-Daeual محصور بین دیوارها به فارسی قصر قصر Paice باغ، به یونانی *Persepolis* بهشت آروایی *Paradise* و به عربی فردوس.

۲. رگ به: بازسازی ساختمانهای قصر شیرین. تحقیقات باستانشناسی بهشت فارس دسورگان در ایران چند ۲، صحن ۳۶، ۳۶، ۳۶. مقر صفویه در اصفهان، اشرف و فرح‌آباد.

۳. ساختمانهای خارجی آن دو پارکهای اطراف تهران و ...

۴. ذراع، مقدسی قدیمی طول معادل ۲۸.۵ اینچ (معمولاً به طول آنج شانسوگ انگشت وسط) ۴.

۵. طبری، ج ۱ ص ۲۶۵. فرش به: مکه قرستاده شد و در آنجا قطعه قطعه شد؛ یک چنین سرنوشتی بعداً و مظهر سقمت ایران (دو فرش کاروانی) وارد آمد. بعضی از کلمات

### مراکز فرهنگی ایران

صرف نظر از مطالب بیان شده در مورد نفوذ متقابل هنر و جغرافیا که می‌توان آن را به عنوان سازگاری با محیط طبیعی برای یک هنرمند تلقی نمود، اکنون به مطلب مهمتر درباره مکانهایی که گرداگرد آن هنر ایرانی ظهور و رشد کرده، می‌پردازیم. هنر همواره به طرف مراکز سیاسی کشیده می‌شود. در مورد موضوع بحث ما، تحقیق و مسأله هنرمندان ایرانی در خور اهمیت بر پایه دو خصوصیت قابل تشخیص از تاریخ ایران انجام گردیده که بسیار مفید تشخیص داده شده است. اول جمعیت پایتخت‌ها و دیگر تغییر دائم مقر اصلی حکومت‌های آن را می‌توان نام برد. مآخذ ما رأساً بر پایه بقایای ابنیه باستانی و معماری خواهد بود و این نه تنها به علت آن است که اینها بهترین گواه زندگی شهری هستند، بلکه به دلیل آن است که ساختمان یک بنای مهم، نوعی همکاری هنرمندان را برای ایجاد و به نمایش گذاردن شاخه‌های مختلف از هنر، ایجاد می‌نماید.

اشپیکل، ایران را به عنوان کشوری بین هند و دجله مشخص کرده است. نقطه ضعف این تعیین محل آن است که امتداد شمالی سرزمینهای ایران را که زمانی تا به حدود فلمرهای بسیاری که بعداً ترکستان را تشکیل داد، و تا ماورای سواحل شمالی دریای خزر و تا حدود قفقاز و

در متن مورد تردید هستند مانند: qudhan به عنوان و معنای ساده‌ها ولی پس از تحقیقی کامل، شدم که ممکن است به کلمه زنجیر "Chain" تبدیل یافته باشد مثل کلمه مخالف پیمانان) منحرف نمودن از شکل واقعی آن است. مثلاً اگر به جای کلمه «دیار» ما days بخوانیم به معنی سومه، ممکن است انعکاس آن از دیدگاه عرب به صورت «طریق سومه‌هان مسیحی و مکانهای بسیار مورد احترام شمرده شوند.

جنگ‌های جنوب روسیه امتداد می‌یافت، نادیده می‌گرفت. تنها در زمان هخامنشیان و سپس در دوره پارتها و ساسانیان، اکثر سرزمینهای ایران به یک حکومت واحد وابسته بودند. ولی حتی در همان زمان نیز، ایران دارای چنان مراکزی مثل روم در ایتالیا و پاریس در فرانسه نبود. هخامنشیان در تغییر مکانهای فصلی، بین پرسپولیس (تخت جمشید) و اکباتان (همدان) و شوش، مناطقی که بناهای یادبود تاریخی فراوان در آنجا یافت می‌شود، سفر می‌کردند. در خارج از این مثلث که به طور چشمگیر مشخص شده، فقط خط نبشته‌هایی که از درجه دوم اهمیت برخوردارند و با تولیدات هنری محلی، شناسایی شده‌اند. اشکانیان آمیخته با هم زبانان اصلیشان اصلاً و نژاداً وابسته به سرزمینهای مرطوب شمال شرقی<sup>(۱)</sup> به طور کلی با شمال ایران مشترک بودند. اما سهولت رانده شدنتان از جانب ساسانیان در واقع به علت عدم تمرکز امپراتوریشان و غفلت آنها از امور کاملاً ایرانی، تشریح شده است. پارتیان به طور مقاومت ناپذیری به سمت غرب گشایند شدند. این تاریخچه آنها در غربی‌ترین قسمت ایران نزدیک زاگرس (بستون - سرپل) و در بین‌النهرین (هاترا Hatra جزیره ابن عمر - آشور - بوшат Boshat در نزدیکی میافارقین، دورا - اوروروس Dura-Europos و...) قرار دارد. ساسانیان از فارس ظهور کردند. پیشینیان آنها در ارتباط با اماکن مقدسه و عبادتگاههای محلی و سلسله حکام محلی، در استان و آواز

۱. نور سلاطین پارتیهای اولیه در شا در بالای سرایش کوههای شمالی خراسانیان قرار گرفته‌اند، رک به ترجمه‌های مؤلف از *حدود العالم* ص ۲۲۶. (توجه کنید به اکتشافات انجام شده در نسا توسط باستان‌شناس روسی ماسون M.E. Mason و سایرین.)

ایرانی آن افتخاری شخصی و فردی برایشان به میراث گذارده بودند. اکثر حکاکیهای زمان ساسانیان در استان فارس، غالباً در جوار اینته تاریخی دوره هخامنشیان قرار دارند. ایالات غربی معاور خوزستان، منطقه بختیاری، لرستان، مملو از آثار بزرگ معماری شاهان ساسانی از نیل جاده‌ها - پلها می‌باشد. ولی از آنجایی که تمایل سیاسی ساسانیان نیز به سوی غرب بود، تعدادی از بناهای قدیمی ساسانی جاده‌های امپراتوری را که از مراکز ماد تا به بین‌النهرین منتهی می‌شد آذین بندی کرده و آراسته بودند. بنایی با نقوش برجسته حکاکمی شده در نزدیکی «ری» وجود داشت. در فاصله سه فرسنگی همدان در یوهستا Jubasta کاخ با شکوهی به یادگار دلاوریهای بهرام گور ساخته شده بود.<sup>(۲)</sup> نقوش برجسته معروف طاق بستان در سمت غربی صخره‌های بستون حکاکمی شده‌اند. کساخهای ویژه شکار در نضر شیرین و هوشکوراک Haush-kurak همانند تفرجگاه ناپستانی دسکارا Daskara (نزدیک شهریان) Shahrban نیز در تپه‌های مجاور دشتی واقع در بین‌النهرین قرار داشتند. این موضوع مربوط به لحظه خاصی از توسعه و پیشرفت فرهنگ و هنر ایران است که برای مدت ۹۵۰ سال مرکز بزرگ فرمانروایی آن در آنچندان ایرانی میانه، اشکانیان و ساسانیان (سلوکیه - تیمقون) بود که در سواحل دجله، درست در منطقه یا مرکز فرهنگی بین‌النهرین، قرار داشت. نقطه‌ای که جمعیت آن متشکل از سامی‌ها و تمدن آن نیز آمیخته و مملو از بقایای تمدنهای قدیمی و باستانی بود

۲. پس از غلبه اعراب، پایتخت خلافت از مکه به کوفه، بعداً به نطفه

۱. این قلعه، ص ۲۵۵ رک به بحث شرق و غرب در فرهنگ ایران، نمره ۲.

دورتری به دمشق و سرانجام به بغداد، بسیار نزدیک به تیسفون پیشین منتقل شد. اعراب در ایران، ناگزیر از بنای مرکز قدرت خود در مراکز محلی که در بین آنها ری و اصفهان تقدم داشت، بودند. ری می‌بایستی به مقیاس عظیمی برای اعراب مناسب بوده باشد. هر چند که مردم آنجا اکثر ایرانی بودند.<sup>(۱)</sup> مهدی خلیفه عباس در زمان ولایعهدی، شهر ری را از نو بنا نهاد. هارون الرشید که در ری تولد یافت، همواره با مسجد و تحسین از زیبایی‌های پایتخت اصلی آن یاد می‌کرد. درباره اصفهان، ۷۵۰ سال قبل از شاه عباس، متوکل خلیفه عباسی<sup>(۲)</sup> به فکر افتاد آنجا را مقر امپراتوری خود قرار دهد، و این طرح صرفاً به علت اعتراض ساکنین آن به تمویق افتاد که احتمالاً دلایلی داشتند برای اینکه از نزدیک بودن با دربار ترس توأم با نگرانی داشته باشند. سوی ۹۲ ساختمان که هرتسفلد<sup>(۳)</sup> Herzfeld در ایران قبل از سال ۱۰۰۰ میلادی بر شمرده، موارد زیر به عنوان یک طبقه‌بندی مفصلتر مورد قبولاند.

چهل بنا به وسیله اعراب ساخته شد و سیزده بنا به دست مردمانی که کم و بیش با آنان شراکت داشتند، بنا گردید. این بناها در کلیه نقاط ایران

۱. یغری. جغرافیه‌دانان عرب، جلد ۷، ص ۲۶۶. ری اشهر سرداره که ساکنان مخلوطی بودند از غیر عربها (عجم) تعداد اعراب در ری بسیار اندک بود. هر کس آنچه که در شوارتز، ص ۲۶۰ تأیید و تأکید شده، یک اشتباه است. رک: به مقاله مؤلف در دایرةالمعارف اسلام، قبل در ۱.

۲. ابن رسته، ص ۱۵۶.  
۳. "Khurasan. Denkmalsgeographische Studien zur Kulturgeschichte des Islam in Iran", in Der Islam, XI, 1921.

براکند. با مشارکت طاهریان دو بنا در خراسان، با مشارکت صفاریان هفت بنا در خراسان، سیستان، فارس و خوزستان، با مشارکت سامانیان به طور مستقیم و غیرمستقیم هفت بنا، در شرق و با مشارکت آل بسویه، شانزده بنا در جنوب و غرب ساخته شده است.

نتیجه این نمودار، که طبق گفته خود مؤلف چندین بار به دقت مورد بحث قرار نگرفته، به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر به نفع قسمت‌های شرقی ایران می‌باشد، و خطه خراسان از ماوراءالنهر مجزا نام برده نشده است.

۳. این کشور دارای فرهنگ کهن ایرانی، که بین جیحون و سیحون قرار گرفته، در داستانهای منقول ایرانی به خطا با عبارت توران و بعداً به وسیله فروع تلفظ به صورت تجنیس با ترکها مخلوط و مشترک شدند.

هیچ کس پیش از فردوسی شاعر بزرگ، تا به این حد در این موقعیت احساس مسئولیت نمی‌کرد، زیرا او پیش از اندک از مصائبی که سامانیان در جنگال مهاجمان اخیر ترک رنج می‌بردند، متأثر بود. اما حتی برای جغرافیدانان عرب قرن دهم، کلمه ماوراءالنهر Transoxiana به صورت عبارت مخصوص (ما - وراه - ال - نهر) یعنی «سرزمین آن سوی رودخانه اکسوس (جیحون)» طراحی شده بود، که کاملاً از سرزمینهای مطلقاً ترکی که از شرق سیحون بین ممالک متعلق به مسلمانان و چینیان امتداد داشت، متمایز بود.<sup>(۱)</sup>

در تاریخ هنر ایران غیر ممکن است که حوادث مهم قبل از اسلام و دوره اسلامی اولیه در ماوراءالنهر را بتوان نادیده گرفت، که مدت زمان بسیار قابل توجهی مرکز فرهنگی بود و بر خراسان و سایر سرزمینهای

۱. رک: به مقاله مؤلف با نام «توران» در دایرةالمعارف اسلام.

ایرانی نیز اثر گذاشت. تا عصر احمد بن نوح بن نصر شاهزاده سامانی (که روزی از بخارا برخاست) (نیمه دوم قرن دهم میلادی) مقر برگزاری جشنها و اعیاد مؤسس سلسله بخارا خداده، در فرخشه (افرخشه Farakhshah) بود. احمد چوبها و الوار آن قصر را برای ساختن ابنیه خود به کار برد.<sup>(۱)</sup> در کشانتیا (کشان - آتای فعلی) Kashan - ata بناایی بود با تصاویری از فرمانروایان چینی، ترک، ایرانی، روم و برهنه‌های هندی<sup>(۲)</sup> در ارفود Arfud (که بعدها طواویس Tawawis در نیمه راه بخارا و سمرقند، خوانده شد)، معبدی بود متعلق به آتش‌پرستان و بت‌پرستان بودایی که به طور مسالمت‌آمیز پهلوی به پهلوی و در کنار هم قرار داشتند و همچنین در رامش Ramush معبد آتش‌پرستان که تا دوره سامانیان باقی بود، وجود داشت.<sup>(۳)</sup>

۴. اولین مسجد در بخارا توسط قتیبه در سال ۷۱۳ م، در محل قبلی معبد بودایی‌ها بنا شد. مسجد جامع جدیدی به وسیله یحیی برمکی در ۷۹۴ م، بنا نهاده شد. در ۹۰۲ م، اسماعیل سامانی آن را توسعه داد و در ۹۱۸ م، مناره‌ای توسط جیهانی وزیر بر آن افزوده گردید. در سال ۱۰۶۸ م، به کلی سوخت و با خاک یکسان شد و در ۱۰۶۹ م، با یک محراب جدید که کنده کاریهای آن در سمرقند انجام شده بود، بازسازی گردید. در ۹۵۹ م، عتبی وزیر، مسجدی نزدیک به ریگستان بنا نهاد. قصر اسماعیل

۱. برشخی - تاریخ بخارا، به اهتمام شفر Scheler، صص ۱۶-۱۵. ترجمه روسی توسط نوکوشین بارتینند، تاشکند، ۱۸۹۷.

2. Chavannes, Documents Sur les, Tou-kiou, St. Petersburg, 1903 p. 145.

۳. برای کبیه این مناطق رک به: ترکستان، بارتونند، یادنامه گیب.

سامانی در ترعه جوی مولیان<sup>(۱)</sup> قرار داشت و کاخ نصر در ریگستان. کاخ منصور (۹۶۷ م)، نزدیک دروازه جدید در کرکی Karaki علویان. قبل از ۹۵۱ م، از بنای ساختمانی به وسیله نوح بن نصر یاد شده و در ۹۷۱ م، منصور محل جدیدی برای برگزاری جشنها در مسافتی به فاصله نیم فرسنگ از ارگ بنا نمود.

ساختمانهای اولیه مسلمانان در سمرقند<sup>(۲)</sup> عبارت از کاخ قدیمی امرای عرب یک زندان، یک مسجد جامع و یک قصر متعلق به رافع بن لیث، یک مقبره متعلق به قثم بن عباس پسر عم پیغمبر که بعدها تحت نام شاه زنده Shah-zanda مشهور شد، می‌باشد.<sup>(۳)</sup> طبق نظریه بار تولد<sup>(۴)</sup> سمرقند تحت فرمانروایی سامانیان به سهولت می‌توانست جمعیتی در حدود نیم میلیون نفر داشته باشد. در بین سایر شهرهای ماوراءالنهر، مساجدی (اکثراً مساجد جامع) در نقاط زیر وجود داشته است: بلخ، کائف، زامین، فربر، نویدا، پنجیکت، و ذار (که توسط ابومزاحم سیاح این نضر عرب ساخته شد). درست هنگامی که از طرف سامانیان حرکتی فوق‌العاده نسبت به شعر و تاریخ‌نویسی فارسی در سراسر ایران داده شد،

۱. دقیقاً و به طور کامل به نام جوی مولیان.

۲. قطعات سنگی که از اعماق زمین برای ساختمانهای شهری در سمرقند بیرون آورده می‌شد و مواد سفالین جهت تهیه گلدانها، ظروف و سایر اقلام مورد نیاز در کوهک واقع بود (اصطخری، ص ۳۱۸).

۳. درباره شرح آن رک به: سفرنامه ابن بطوطه، (۱۳۵۵) بخش ۳، صص ۴-۵۲؛ و بارتولد O.C. ص ۹۲.

۴. همان مأخذ، ص ۸۸.

این موضوع غیر قابل درک می‌بود، که ماوراءالنهر مقرر قدرتمند پادشاهی، شناخته شود. بدون آنکه هیچ اثر مستقیمی بر ایرانیان، و در مرحله نخست بر خراسانیها و معماری آن نگذاشته باشد. گذشته از آن اعتراف شده است که خود سامانیان به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر و نفوذ سامره بوده‌اند. ویز Viz مقبره پرشکوه امیر اسماعیل (۲۹۵ هـ/ ۹۰۷ م) تنها ساختمان عهد سامانی، هنوز در بخارا پابرجاست و تا اندازه‌ای دارای سبکی عجیب است<sup>(۱)</sup> و به دشواری می‌توانیم متوقع باشیم که این بنای خاص، همه ساختمانهای مختلف هم زمان خود را اکنون دیگر ناپدید شده‌اند، از اهمیت انداخته باشد.

نفوذ و تأثیر بخارا نیز در تولید منسوجات باید قابل ملاحظه بوده باشد. طبق نظر نرشخی که اثرش را در ۹۴۳ میلادی، نوشته است<sup>(۲)</sup>، کارخانه یا کارگاهی مشهور به نام «بیت الطراز نزدیک مسجد جامع در بخارا قرار داشت»<sup>(۳)</sup> که تولیدات آن فرش (بساط) پرده جلوی در، یا (شادروان)<sup>(۴)</sup> همانند منسوجات یزدی - بالش، جانماز (مصلّا) و زیلوهای راه راه که در قهوه خانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت، و بُرد

۱. امنیاکوف، «بناهای یادبود باستانی آسیای مرکزی «در روسیه» تاشکند، ۱۹۲۶.

صص ۱۷-۴؛ Cohn-wiener turan, pp.1-3.

2, ed. Schefer, p.18.

۳. چنین به نظر می‌رسد که در ۱۱۷۸ م، زمانی که خلاصه کتاب نرشخی که به تنهایی به دست ما رسیده، گردآوری شده هنوز در آنجا بوده است.

۴. مارکوآرت، مجله مسور پایشختهای ایالتی اراشهر، رم، ۱۹۳۱، ص ۷۳. شادروان را به معنی حفاظت از در شاه (شاه دربان) توضیح می‌دهد.

فندقی برای استفاده خلیفه بود. خراج (مالیات کشوری) بخارا به طور اختصاصی صرف فرشهای بزرگ می‌گردید. به طوری که همه ساله مأمور ویژه‌ای از بغداد با هر مبلغی که بابت خراج اخذ شده بود، آمده و آن را به مصرف همیشگی یعنی تهیه منسوجات و اِلِسه می‌رساند. نرشخی یا شاید نویسنده ذیل اثر نرشخی اضافه می‌کند که کارخانه مزبور بازدهی قابل ملاحظه‌ای داشت و متخصصانی جهت این کار تربیت می‌شدند و بخارا را ترک می‌کردند. چنین منسوجاتی در هیچ یک از شهرهای خراسان بافته نمی‌شد، و حتی هنگامی که متخصصین که قبلاً ساکن بخارا بودند وارد خراسان می‌شدند و در آنجا مایحتاج مورد استفاده مردم را تهیه می‌کردند، نمی‌توانستند منسوجاتی با همان کیفیت ممتاز تولید کنند. سابقاً هیچ پادشاه یا شاهزاده یا رئیس یا مرئوسی نبود که چنین لباسهایی به رنگهای قرمز، سبز و سفید نداشته باشد. تجار این اجناس را به سوریه، مصر و شهرهای بیزانس صادر می‌کردند. جنس کتانی (کرباس) در دهکده زندنه<sup>(۱)</sup> تولید می‌گردید و از آنجا که به نام زندنجی zandaniji خوانده می‌شد، خیلی بیشتر از منسوجات قدیمی بخارایی شهرت پیدا کرد.<sup>(۲)</sup>

۱. زندانه در چهار فرسنگی شمال بخارا واقع است. از مواد ساخته شده در زندانجی بعداً در سایر دهکده‌های بخارا در تولیدات استفاده، و به عراق فارس، کرمان و هند صادر گردید. به نظر می‌آید زندانجی دارای کیفیت یکسان بوده باشد. مانند مردانی که برده بودند و لباسهایی از آن جنس به تن می‌کردند، بارتولد، ترکستان، ص ۲۲۷.

۲. همچنین رک به: فهرست بلندی که مقدسی در صفحه‌های ۶-۲۲۳ از اقلام صادر شده از ماوراءالنهر به دست می‌دهد [رک به: سلسله اجناس مهم که توسط دکتر رب. سرچنت ←

۵. در پی تجدید حیات در ماوراءالنهر و خراسان، ایالات دیگری که پیشتر در سمت غرب واقع بودند شروع به کسب آزادی کردند. در ناحیه گرگان استان مازندران هنوز برخی از زمان قاپوس بن وشمگیر از سلسله آنزبار پابرجاست که زمان حکومتش ما بین سامانیان و آل بویه<sup>(۱)</sup> بود این برج که در سال ۱۰۶۷-۱۰۶۶ م ساخته شده<sup>(۲)</sup> به نظر می‌رسد که یکی از قدیمیترین بناهای معماری پابرجا در ایران باشد؛ و اگر ارتباط تنگاتنگ قاپوس با سامانیان را به خاطر داشته باشیم، از خطور این فکر به محلیه خود که اصالت چشمگیر این بنا شاید به خاطر از بین رفتن مسایر ابنیه مشابه زمان خود باشد، نتوانیم جلوگیری کنیم.

برج رادکان واقع در کنار رود نکا Nika در غرب استرآباد (گرگان) در سال ۱۰۴۱-۱۰۳۰ م، به وسیله اسپهبد ابو جعفر محمد بن ونداد بن خوارزمین محلی ایل یاونده به اتمام رسید که حق آن را از زمان ساسانیان برای خود محفوظ داشت؛ ولی در تاریخ مورد بحث، به وسیله آل زیار این حق

۶. دور مواد برای تاریخ نساجی اسلامی (دوره ایران بخش ۱-۶۲) معرفی شده است.

*Iran Jahrb., 1942, IX:54-92/1943, X: 91-124; 1946, XI-XII: 95-135.*

۱. قاپوس بن سامانیان و بعداً بر غزنویان متکی بود، مناسبات او با آل بویه مشروط و شکننده بود، رگ به:

*C.H. Johnson, Les Zoroastres, Paris, 1922, pp. 52-63.*

۲. تاریخ اصلی ۳۷۵، در سال خورشیدی (آن طوری که Van-Berchem توضیح داد، دوران بزرگده) و ۳۹۷ در سال قمری (یعنی دورهٔ هجری) که هر دو برابر است با ۱۰۰۶ بعد از میلاد مسیح، رگ به:

*Riez, Ostracische Buchdruckerei, Berlin, 1918, p. 106.*

قوت خود را از دست داد<sup>(۱)</sup>. این بنا به ساختمان گرگان شباهت دارد و مشخصاً از لحاظ متون ایرانی میانه جالب توجه است<sup>(۲)</sup>.

در غرب دولت آل زیار، آل بویه برخاستند، که اهمیت آن هنوز به طور دقیق و کامل شناسایی نشده است<sup>(۳)</sup>. آل بویه از ارتفاعاتشان در کوههای دیلمان، در تمام سرزمینهای متعلق به ایران پراکنده شدند و به غیر از قسمت شمال شرقی، در بین النهرین حکومت کردند. برای نخستین بار، شیعه در درون یک حکومت بزرگ به عنوان عنصری رسمی اعلام شد، ولی متعصبین ایرانی حافظ و پشتیبان شخص خلیفه شدند. مراکز بزرگ شعب مختلف این حکام، شهرهای شیراز، ری و بغداد بود. اقتباس عنوان قدیمی «شاهنشاه» از طرف آل بویه نمایانگر چگونگی وابستگی آنان به گذشته بود. بسیار جالب توجه است که قدیمیترین نوشته‌ها و حکاکیهای مسلمانان در ایران، توسط عبدالدوله<sup>(۴)</sup> به صورت تقلیدی از ساسانیان (۳۴۴/ ۹۵۵ م) در تخت جمشید به وجود آمده باشد. در این نوشته‌ها

۱. رگ به: *جدار، آثار ایران، جلد ۱، ص ۱۱۵.*

۲. خط نوشته توسط هرتسفلد *Mitteilungen aus Iran, IV, 1932, pp. 140-7* ترجمه و خوانده شده است اخیراً دو برج مشابه دیگر در مازندران در *Lajim and Respet (Razavi)* پیدا شده که توسط گدار در کتاب *آثار ایران* (ج ۱، ۱۹۳۶، صص ۱۶۰-۱۷۵) ارائه شده است. جهت یافتن معنی و خواندن نوشته‌های فارسی میانه در *Lajim* رگ به: *Hertzsfeld, Mitteilungen, 1936, VII/2, pp. 78-81.*

۳. مؤلف برای توضیح تاریخی معنی کلمه «Iranian intermezzeo» در کتاب *La Domination des Dailimites Paris, 1932* خود اقدام کرده است.

۴. در فارسی، نامهایی که بین آنها با وجود دارد با حروف تلفظ می‌شوند با حرف «d» مانند کلمه *(dud)*.



عضدالدوله می‌گوید: که نوشته‌های کهن عهد ساسانیان به وسیله یک دبیر یا منشی و یک موبد<sup>(۱)</sup> زرتشتی برایش ترجمه شده است. در مجاورت شهر اصطخر مسلمان که در نزدیکی جایگاه پرسپولیس به وجود آمد، سد معروف عضدالدوله قرار دارد. مقدسی در صفحه ۴۴۹ کتاب خود در توصیف قصر امپراتور در شیراز با ۳۶۰ اتاق<sup>(۲)</sup> و کتابخانه تحسین برانگیز آن که کلیه کتب مشهور آن عصر در آن گردآوری شده بودند، کاملاً احساساتی می‌شود. همین مؤلف، در عین حال شرح می‌دهد که اهرام در مصر صرفاً مقابر هستند، (ص ۲۱۰). ضمناً نیز اظهارات بسیار جالب توجهی دارد.

نظاره کنید شاهان دیلمی (یعنی آل بویه) را در ری که گنبدهای عظیم بر بالای گور خودشان ساختند. (قباب‌العالیه) که آنها را با تمام نیرو و حداکثر توانایی خود تهیه و برافراشتند تا مبادا که پوشیده از بین بروند، در حالی که آنان زبردست شاهان قرار داشتند، گنبدهای کوچکتری می‌سازند.

سایر ابنیه باستانی به جای مانده از آل بویه در فارس، خوزستان، بین‌النهرین و کرمان پراکنده‌اند.<sup>(۳)</sup> از بعضی دودمانهای کوچک، ولی

1. S. de Sacy. *Memoires sur diverses antiquites de la perse*, Paris, 1793, p. 137.

۲. مقدسی، ص ۴۵۰. رنگهای بعضی از اطاقها را از رنگهای برجای چینی تقلید کرده بودند و (al-ghadar al- sini) نقیه از سنگ، که برخی از آنها با کتیبه‌هایی از مهره‌های النوان تزیین یافته بودند (مفروش بالرخام) مقداری پوشیده شده با طلا (طلاکاری) و بعضی پوشیده شده با صور منقوش روی دیوارها (مصور).

۳. توسط دودمان احتمالاً بنای منطبق با شرایط زمان در قزوین، قم، ابهر، اصفهان،

موقتی که استقلالشان را تحت حمایت و در پناه قدرت سامانیان در مشرق و آل بویه در مغرب حفظ کردند، آگاهیهای اندکی در دست است. مانند ابو داودیه از بلخ، محتجدیه Muhtagids از چغانیان (جنوب شرقی بخارا) فریغونیه‌ها از قزغن (غرب بلخ) از یکسو، و مظفریه از طارم<sup>(۱)</sup>، روادیه از تبریز و مراغه<sup>(۲)</sup> و حسن وحیدیه Hassanwaihids از کردستان از طرف دیگر<sup>(۳)</sup> که ابنیه باستانی معدودی هنوز مورد شناسایی هستند.

۶. ترک‌ها که از اواخر قرن دهم میلادی به بعد پادشاهی مستقلی برای خود به وجود آوردند. بتدریج با روی کار آمدن سلسله سلاطین ایرانی کنار رفتند. ولی تغییر حکومتها نمی‌توانست سبب تغییر ناگهانی فرهنگ و تمدن محلی گردد، که در واقع خود فاتحان به منظور آنکه رونق بیشتری به قلمروشان ببخشند، از آن حمایت می‌کردند.

دودمان قراخانیان که تا ۹۹۹ م. سمرقند و بخارا را تحت سلطه داشت،

→ دینور، نهادند و ... که توسط جغرافیدانان عرب اشاره شده، بنا شده است. هرتسفلد، صص ۱۶۶-۷.

۱. تعجب بسیار زیادی درباره ابنیه محمد بن مظفر در کاخ شمیران ابراز گردیده، که در آنجا او بهترین و ماهرترین کارگران را از هر نقطه فرا خوانده است. قصر در سفیدرود به فاصله حدوداً سه ساعت بالاتر از بل منجیل واقع بود رک به: مقاله مؤلف در *دائرة المعارف اسلام* تحت عنوان طارم اکنون در می‌پاییم که هرتسفلد در. Brugsch, Reise, II, 471-2 شرحی درباره ویرانه‌ها داده بدون آنکه بدانند آن محل چگونه بوده است.

۲. رک به: مقالات مؤلف (تبریز) و (مراغه) در *دائرةالمعارف اسلام*.

۳. برای اطلاع از ویرانه‌های پایتختشان سرمج Sarmaj واقع در جنوب بیستون رک به: O.Mann Globus vol, LxxxIII, pp. 327-331. مسجد حسن وحید در سرمج از قطعات

بریده شده سنگ ساخته شده بوده ابن اثیر، ج ۸، صفحه ۲۸۱.

تا سال ۱۱۲۱م. دوام یافت. بسیاری از سلاطین این دودمان، بنیانگذاران و سازندگان بناهای بزرگی بودند. شمس‌الملک در ۱۰۷۸م، رباط‌الملک را که قدیمیترین بنای غیر مذهبی بود، ساخت که هنوز این بنا به صورت ویرانه در ترکستان وجود دارد.<sup>(۱)</sup> همچنین رباط آق کتل واقع در جادهٔ سمرقند - خجند، کاخ شمس‌آباد در بخارا، مسجد جامع بخارا منسوب به اوست. احمدخان (متوفی ۱۰۹۵م) بنیانگذار کاخ جدید و بانسکوهی به نام جویبار بود. ولی تعداد زیادی از بناها به ارسلان‌خان که قلاع بخارا و دیوارهای آن را مرمت و نوسازی کرده، نسبت داده می‌شود. از جمله در سال ۱۱۱۹م تالار بزرگ وعظ و نماز را در خارج شمس‌آباد بنا نهاد، و عبادتگاه (مسجد جامع) عالی و پرشکوهی را در ۱۱۲۱م. ساخت که توسط مغولها تخریب شد، ولی متارهای آن تا سال ۱۹۳۰م. باقی مانده بود. بعلاوه او دو کاخ بزرگ که یکی از آنها بعداً به مدرسه تبدیل شد، بنا نمود و شهر بیکت را مرمت کرد. طمغناچ‌خان - ابراهیم، بانس کاخ مجللی در گورگین Gurgin محله‌ای از سمرقند بود.<sup>(۲)</sup> استقرار غزنویان در خراسان و ایران مرکزی کوتاه و بی‌ثبات بود. آنها تحت فشار سلاجقه، ناگزیر فعالیتهای خود را در افغانستان جنوبی و شمال هندوستان متمرکز کردند. غزنویان به ادبیات و تاریخ نویسی ایرانی علاقه و توجه قابل ملاحظه‌ای میدول داشتند، ولی از نظر آبنه و معماری، هیچ گونه اثر در

1. Umniatov, Palvati Malik

امپاکوف، رباط‌ملک، (به روسی) در ویژه‌نامهٔ بارتولد، نشاندند، ۱۹۲۷. رباط در نزدیکی کریمه قرار دارد.

۲. رشتن، صص ۲۹۵-۲۹۶ بارتولد، ترکستان، ص ۳۱۹.

خور توجهی، در خارج از آنچه که در پایتخت خودشان غزنین وجود داشت، از خود بر جای نگذاشتند. دو برج مشهور غزنین دقیقاً مشابه ساختمانهای خراسان است، اما آنچه‌آن که به طور عادی در دورهٔ کابل اتفاق افتاده است، نفوذ سرزمینهای پست هند تحت فرمانروایی سلطان محمود غزنوی (۱۰۲۱-۱۰۳۰م) در سبک معماری و تزیین غزنویان، خود را نمایان می‌ساختند.<sup>(۱)</sup> قاعده و دستوری مختصر و خلاصه برای مشخص کردن فنر غزنویان این است که با وجود قرار داشتن در سمت شرقی ایران، هنرشان از شمال تا جنوب توسعه یافت.

نقش مهمتر و غیرقابل قیاس با ادوار دیگر در تاریخ اسلامی، مربوط به سلجوقیان است که برعکس غزنویان در خطهٔ شرق تا غرب فعالیت کردند و ماوراءالنهر را به بین‌النهرین متصل ساختند. در ۱۰۳۶م با گامهای بیروزمندانه شروع به پیشروی از جانب خراسان کردند و در ۱۰۵۵م فرمانروایان بغداد بودند. ایشیهٔ سلجوقیان، اقوام و خویشان آنها، فرمانروایان و یامامورانشان در سرو، ری، اصفهان، کرمان، بغداد و... پراکنده‌اند. حکومت سلجوقیان بزرگ فقط حدود ۱۲۰ سال دوام یافت. امپراتوری آنها که به آن سرعت توسعه یافته بود، کوچک شد و سرانجام هرگز به صورت یک مرکز طبیعی پیشرفت نکرد. شاید اصفهان می‌توانست که چنین مرکزی را احراز کند،<sup>(۲)</sup> اما زمانی که پس از سال

۱. آندره گدار، خزانه پاریس، ۱۹۲۵، ص ۵۹.

۲. مسجد جامع بزرگی توسط ملکشاه ساخته شده است برای جزئیات آن رگ به: آگدار، **قنار ابراهیم**، جلد ۱ بخش ۲، ۱۹۳۶م، صص ۲۱۳، ۲۱۴. نظام الملک، وزیر بزرگ سلجوقیان، در مدرسه‌ای که خود در اصفهان ساخت، مردفن گردید (زکریا بزرگین، ص ۲۰۴).

۱۱۱۸م مرکز قدرت به عراق منتقل شد، همدان عمده‌ا بر اسفهان فوق یافت. در اینجا یک مرکز فرهنگی توسط آی آبه اتابک سلطان طفول دوم تأسیس گردید. گنبد علویان که به احتمال قریب به بقیع مقبره با شکوه خانوادگی خاندان با نفوذ و ثروتمند علوی است، هنوز هم پابرجاست. که این خاندان در همدان - که تحت حکومت آخرین پادشاه سلجوقی بود - با اقتدار و ثروت‌مندان می‌زیست.<sup>(۱)</sup> آخرین پادشاه بزرگ سلجوقی، منجر طی دوره فرمانرواییش به دست قبایل یاضی و متمرد ترکمن (غز) زندانی گردید. پس از درگذشت او (۱۱۵۷م) مشرق از دست سلجوقیان خارج شد. در ۱۱۸۷م شاخه کرمان به وسیله یاشیان ترکمنی سقوط کرد و در ۱۱۹۴م آخرین سازمانده خاندان سلجوقی عراق، درگیر جنگ با خوارزمشاه، قدرت تازه نفیس جدیداً به پا خاسته، گردید با این همه واقعه مهم حکومت خوارزمشاه، با وجود دلاوری و عظمت باطنی آن، نفس مهمی در حیات فرهنگی ایران نداشت.<sup>(۲)</sup>

۱۰۰۰ ص ۲۷۶. که این بنا نیایستی با مدرسه مشهورتر نظامیه که در بغداد در سال ۱۰۶۵م به اتمام رسید، اشتهار گرفته شود. سلطان برکیارق (متوفی ۱۱۰۲م) آرامگاهی در یک مقبره عظیم دارد که توسط همسر مورد علاقه‌اش برای او در اسفهان ساخته شده بود.

۱. کلمه گنبد اولین بار توسط خانیکوف Khanykov (۱۸۵۲) ذکر گردید، هرستفلد، گنبد علویان در کتاب اهلیان به ادوارد، جن. براون، کسریج، ۱۹۲۲م که تاریخ آن مربوط به حکومت اولجایتو (۱۳۱۶-۱۳۰۴) می‌باشد. ولی اگر بررسیهای مؤلف که برایش به اثبات رسیده، درست باشد، تاریخ مربوط به دوره‌های (۱۲۵۰-۱۲۰۰م) است. *راحت‌الصدور*، ص ۲۰ و جهانگشا، ص ۱۱۵.

۲. این به هیچ طریقی از اهمیت باستانشناسی خوارزم اولیه در پرتو اکتشافات انجام شده توسط سلوهای تحقیقی این س. تولستوف، نمی‌کاهد.

از طرف دیگر، در طی افول حکومت سلاجقه، خوانین دیگر محلی از حکام سابق (اتابکان) خود مختاری به دست آورده بودند، و تحت فرمانروایی آنها، استانها تا حدی از آرامش و آسایش و فعالیت برخوردار بودند. بدون آنکه برای انجام امور، توسعه و پیشرفت کارها، به طور کامل و در بست اختیاری و ابتکار عمل داشته باشند. متفرقین مودود (۱۱۶۲-۱۱۴۸م) مؤسس سلسله سلغریان فارس، مسجد جامع شیراز و یک رباط (کاروانسرا) بنا نمود. ضمن اینکه اقدامات مهم جانشینانش، ساختن و آراستن مقبره ابو عبدالله بن حلیف مقدس و مشهور بوده است.<sup>(۱)</sup>

ابنپنه‌ای همچنان پابرجا از حکام آذربایجانی خاندان ایلدگز در نخبوان و در سواحل شمالی رود ارس<sup>(۲)</sup> باقی مانده است. به نظر می‌رسد که سازه واقع بین راه قزوین و قم دارای یک سلسله حکام خودمختار بوده است که تاریخ مربوط به آنان هنوز هم بسیار اندک مورد شناسایی قرار گرفته است. در ساختمانهای ایشان گچ‌بریهای تزیینی تعبیه شده بود که قسمتی از آنها در نمایشگاه هنرهای ایران در لندن به معرض نمایش گذاشته شد.<sup>(۳)</sup>

۱. تاریخ گردیده، پادشاهای گنبد صص ۵۰۶-۵۰۹ (ترجمه صص ۱۲۰-۱).  
۲. خانیکوف.

Khanykov, *Memoire sur les inscriptions musulmanes du Caucase, Jour. As.* August, 1862, and Sarre, *Denkmaler persischer Baukunst*.

ضمناً رک به: مقاله مؤلف در *مخبرنامه*، در *دائرة المعارف اسلام*.  
۳. برخی اشیه در نزدیکی سازه به اتابک شیراز (مقارن ۱۱۳۷-۱۱۰۷م) منسوب است.

۷. خوارزمیان با موج حملات مهاجمان مغولی مضمحل و نابود شدند. برخلاف نظریه موجود مبنی بر اینکه غلبه مغول دارای خاصیت کامل تخریب و نابود کننده بوده، نظریه دیگری نیز وجود دارد که شاید مقاومت مسلمانان علیه تصرف بغداد و مجازات ظالمانه خلیفه دلیل آن است. مغولها برای نژادهای تحت سلطه، برخورداری از یک حکومت با ثبات را تضمین کردند و باب ارتباطات با ممالک دوردست را گشودند. بدین قرار، هم مبادلات کالایی و هم علمی و فرهنگی را تشویق کردند، ضمن اینکه، تمدن و هنر را نیز رواج می دادند. فعالیت ایلخانان در پایتختشان، آذربایجان متمرکز بود. در مراغه پایتخت هلاکو خان پنج برج قابل ملاحظه وجود دارد، ولی آنچنان که آ. و. ی. گدار (A. and. y. Godard) نشان داده اند، هیچ یک از آنها متعلق به زمان فاتحان مزبور نیست. (۱) هم هلاکو و هم پسرش آباقا در جزیره شاهی که مخازن و دفینه های هلاکو هم در آنجا نگهداری می شد، مدفون شدند. (۲) در این هنگام به دستور آباقا، پایتخت به تبریز انتقال یافت. (۳) و ایلخانان توجه بیشتری به حومه آن یعنی شنب (شام) مبذول داشتند. کاملاً و به طور مشخص و مشترک با

رتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. آثار ایران، ۱/۲، ۱۹۳۶، صص ۱۵۶-۱۲۵. سه برج از آنها مربوط به قرن ششم هجری قمری دوازدهم میلادی می باشند. قدیمترین آنها تاریخ ۵۴۲/۱۱۴۸ را دارد و نام سازنده آن قوام از آذربایجان عبدالعزیز بن محمود بن سعد است. مقایسه شود با: *راحة الصدور* ص ۲۹۸.

۲. *نزهة القلوب*، ص ۲۴۱. گنجینه های قبلی از عهد غازان به غنیمت یا به سرقت برده شده بودند. مقایسه شود با: D' Olsson, *Histoire des Mongols*, IV, 340.

۳. بد رک: مقاله مؤلف «تبریز» در *دائرة المعارف اسلام*.

نام غازان، (شنب غازان)، وی در اینجا مقبره ای ساخت که در سال ۷۰۳ ه/ ۱۳۰۴ م به طرز با شکوهی در همانجا به خاک سپرده شد. این بنای عظیم در میان دو مدرسه - یک مسجد و یک منزلگاه برای سادات (دارالسادات)، یک بیمارستان، یک کتابخانه و یک دفتر برای آرشینو یک مخزن، یک گرمابه و... احاطه شده بود. صاحبان مقام و مناصب و نجبا و اشراف در محلهای بسیار زیبا، جالب و تزیین شده در خود تبریز انجام وظیفه می کردند. اثر وزیر و مورخ مشهور رشیدالدین فضل الله، رصدخانه جدید یا ربع رشیدی با ساختمانهای بلند و متعدد آن بود. اولجایتو (۱۳۱۶-۱۳۰۴ م) (۱) جانشین غازان، خصوصاً به خاطر اهتمام او در ایجاد یک پایتخت جدید در سلطانیه مشهور است که نه از لحاظ جغرافیایی و نه تاریخی مناسب برای این مقصد عالی بود. یاد بود این کار ظریف شاهانه، مقبره اولجایتو در سلطانیه است که یکی از پراهمیت ترین ابنیه در تمام ایران به شمار می رود. آخرین فرد از دودمان مغول ابوسعید بهادر (۱۳۲۵-۱۳۱۶ م) نیز در سلطانیه دفن شد، ولی این واقعیت که وزیر اولجایتو، علیشاه مسجد معروف او را در تبریز (۲) بنا کرد، نمایانگر آن است که این شهر کهن، حالت اولیه خود را حتی وقتی اختخارات کوتاه

۱. تلفظ اصلی نام او، اولجایتو Oljeytü اولجیتو است.

۲. سعی و اهتمام عیشاه بر این بود که قصر ساسانیان (طاق کسری) را در تیسفون از شهرت و اعتبار ساقط کند. ما شرح مفصلی درباره مسجدی مصری که در عقدالایمان عینی آمده، و توسط بارون تیزن هاوزن Zapiski Vost. Otd., 1 1886. pp. 114-18 ترجمه شده است. بیان کرده ایم.

مدت رقیب آن به اعلا درجه خود رسید، از دست نداد. (۱) اولجایتو بانی بزرگی بود و مسجد معظم و قابل توجه ورامین واقع در (جنوب شرقی ری) (۲) در تاریخ ۱۳۲۲م (و بازسازی آن در ۱۴۱۲م) به همت و فرمان و کمکهای او استوار شد. همچنین در زمان وی عضدبن علی المستری از جانب سعدالدین صاحب دیوان برای بازسازی مسجد جامع اصفهان مأموریت یافت. (۳)

در میان ابنیه ایالتی مهم دوره مغول، می‌توان از برج مقبره رادکان در خراسان (۴) برج میری خاتون دختر ارغون آقا، (۵) در اوایل قرن چهاردهم و یک سری از زیباترین مقابر متعلق به امرای مغول که در اخلاط در

۱. رک به: مقاله مؤلف «سنطانیه» در *دایرةالمعارف اسلام*. چندین ساختمان متعلق به اواخر عهد صفویه و قاجاریه می‌باشد.

۲. مسجد به طور مفصل توسط و. موروزوف V. Morozov مورد مطالعه قرار گرفته است. رک به: مقاله مؤلف در Apollo, London, March, 1931 و مقاله «وراسین» در *دائرةالمعارف اسلام*.

3. Van Berchem, in *Melanges* H. Drenbourg, Paris, 1909, pp. 367-378, and *Athar-e Iran*, I/2, p. 234.

۴. این رادکان واقع در شمال شرق قوچان، نباید با رادکان واقع در نکا Nika که در جنوب غرب استرآباد قرار دارد؛ اشتباه شود. رک به: بخش سابق‌الذکر. این متعلق به سرکرده معروف مغول ارغون خان بود.

۵. رک به:

Van Berchem in *Materialien zur ältesten Geschichte Armeniens, Abhandl. Ges. Wiss. Göttingen*, N.F., IX, pp. 158-9.

مربوط به تاریخی است که فقط به صورت هفتصد خوانده می‌شود (۲۴) (7).

سواحل شمالی دریاچه وان، (۱) بنا گردید نام برد، کرمان زیر فرمانروایی قتلغ خانها (۱۳۰۳-۱۲۲۰م) به صورت یک مرکز فرهنگی درآمد (۲) در این شهر سر سلسله این دودمان در خارج از شهر، مدرسه‌ای ساخت. در ضمن اینکه مدرسه دیگری معروف به مدرسه سبز گنبد در ۱۲۴۲م در داخل محدوده شهر بنا می‌شد. ترکان خاتون که برادرش را از تخت سلطنت در کرمان به زیر کشید، مسجد جامع رفیع و باشکوهی در ۱۲۶۰م بنا نهاد. در لرستان نیز آتابک نصرت‌الدین احمد (۱۲۹۵-۱۳۲۹م) هم عصر غازان و اولجایتو، سازنده بزرگی بود. ابن بطوطه ساختمان مدارس را که شمار آنها کمتر از ۱۶۰ فقره نیست منتسب به او می‌داند، (۳) بعد از ابوسعید که بدون فرزند درگذشت، هشت خان مغول یکی پس از دیگری به خاطر کسب برتری از ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۴م در آذربایجان درگیری و کشمکش داشتند. سپس دو خاندان از سرکردگان قبلی مغولی چوپانیان و جلایریان برای به دست آوردن حکومت بپا خاستند، و سرانجام جلایریان (۷۵۹ هـ ق / ۱۳۵۸م) بر قلمرو وسیع و غیرعادی مشتمل بر بغداد و تبریز که تا فراسوی بخشهای شرقی

۱. این برجهای مدور مربوط به سنوات ۱۲۸۱، ۱۲۷۹، ۱۲۷۳ به طرز عجیبی یادآور ساختمانهای مشابه در ایران است، ولی در اینجا نفوذ سبک ارمنی را نمایان می‌سازد. این برجها ابتدا توسط لینچ Lynch کشف گردید. ارمنستان، جلد ۲، صص ۲۹۷-۲۸۰. برای جزئیات بیشتر رک به:

Baehmann, *Kirchen und Moscheen in Armenien und Kurdistan*, Leipzig, 1913, pl. 55, 8.

۲. رک به مقاله مؤلف «قتلغ خان»، در *دایرةالمعارف اسلام*.

۳. رک به: مقاله مؤلف «لریزرگ» در *دائرةالمعارف اسلام*.

ماوراءالنهر امتداد داشت، فرمانروایی کردند. جلاویزان سرپرست و اجیا کنتند؛ منرها پرندند،<sup>(۱)</sup> و با وجود اینکه ماهیت وجودی حکومتشان مورد نارضایتی و ناخشنودی بود، ولی به عنوان حکام قانونی آذربایجان پذیرفته شده بودند. برجسته‌ترین ساختمان آجری (ارک) با برجهای مشرف به تیریز به نام دولخانه، بایستی مربوط به شاه اوئیس باشد که کلاویخو آن را "Toibatgana" نامیده است.<sup>(۲)</sup> پس از مرگ ابوسعید (۱۳۳۶م) وضعیت در ایران شرقی کم ناپسندان و آشفته نبود. نوح‌خاستای از خوانین مغول، به نام طغانیمور در استرآباد حکمرانی می‌کرد، در حالی که خراسان تحت مراقبت سرداران شیعی - که بیشتر عده‌ای فرماندار بودند تا یک دودمان حکومتی - قرار داشت. بعضی قسمتهای خراسان توسط کرت‌های هرات اشغال شده بود. در سترزمینهای واقع بین طوس و مرو، خیابان‌های بومی از نژاد مغول از نوعی استقلال و خودمختاری بهره‌مند بودند.<sup>(۳)</sup>

در جنوب، پس از یک سلسله درگیری بین دو خاندان از حکمرانان

۱. رگ به: *مینیاتورهای عهد تیمور*، وین، ۱۹۱۶م. که در آن دیوان سلطان احمد جلاویز با تصاویر بسیار دقیق به همت دکتر مارتین Martini به چاپ رسیده است.
۲. در نسخه داور و کیمیا و منتخب *التواریخ* کتابخانه ملی فرانسه، ذیل ایران ۱۶۵۱، (327-304) صریحاً می‌گوید که شاه اوئیس دولخانه‌ای بنا نمود. رگ به مقاله مؤلف «تیریز» در *دائرةالمعارف اسلام*.
۳. (جان قرمانی = جانی - قرمانی) Jan-Qurban (احتمالاً به زبان مغولی Dzus-qurban جان - قرمان) از جانشینان لرغون‌خان حکمران مغولی بود، نژاد او ایرانی است. رگ به: *جهان گشای* جلد ۲، صص ۲۲۲-۲۵۱. مقایسه کنید با مقاله مؤلف «طوس» در *دائرةالمعارف اسلام*.

مغولی اینجوها و مظفری‌ها (آل‌ابنجو - آل مظفر)، دومی پیروز گردید و بر فارس، کرمان، عراق عجم و خوزستان (۱۳۸۳-۱۳۵۳م) فرمانروایی کرد. حتی آل مظفر دوبار به تیریز لشکرکشی کردند. دربار شیراز در آن روزگاران دارای شماری همچون حافظ بود، ولی کسی در مورد فعالیت‌های معماری این سلسله چیز زیادی نمی‌داند. شرف‌الدین مظفر در مدرسه‌ای متعلق به خودش در میدان نزدیک یزد (در ۵۷۱۳/۱۳۱۲م) مدفون گردید. مبارزالدین، مسجدی در خارج شهر زرنده، دروازه شهر قدیمی کرمان،<sup>(۱)</sup> یک مدرسه عالی به نام دارالسیاده و بناهای دیگری را بنا کرد. گفته می‌شود که شاه شجاع مبلغ دویست هزار دینار هزینه ساختن مقبره خود را آرامگاهی که هر دو در مکه واقع‌اند، کرده است. مسجد پامنار که هنوز در کرمان وجود دارد، توسط سلطان عمادالدین حدود سال ۷۹۳ هـ ق/ ۱۳۹۱م، بنا گردید.

۸. هجوم وحشیانه تیمور، سرزمینهای ایران را به هم متصل کرد و علی‌رغم همه کشتارهای بیرحمانه مردم بی‌دفاع، و ویرانی‌هایی که به همراه آن پدید آمد، به تشکیل مراکز فرهنگی گوناگونی گرازا کرد. اقامتگاه شاهزادگان نومانروا نیز منتهی گردید. تیمور شخصاً اهمیتی برای شهر بخصوصی قائل نبود، لیکن پایتخت او سمرقند بود، جایی که غنایم جنگی و کارگران ماهر از مناطق فتح شده به آنجا هدایت می‌شدند.

۱. *بایر تاریخ گزیده* (ترجمه) صص ۱۸۹-۱۹۲، مسجد در سال ۷۵۲ هـ ق/ ۱۳۵۱م ساخته شد لیکن سرپرست سائیکس در صفحه ۱۹۲ کتاب ده هزار مایلی در ایران می‌نویسد که طبق دستنوشته موجود در مسجد جامع مبارزالدین، تاریخ ۷۲۰ هـ ق/ ۱۳۲۹ ثبت شده است.

میرانشاه از پسران تیمور، در رأس منطقه وسیعی از قلمرو حکمرانیش (قلمرو هلاک) و پایتختش تبریز نسبت به جذب و کشش هنرهای مختلف ویژه در مورد موسیقی، بی‌احساس نبود. لیکن حتی مورخان سرتق و منمنی می‌گویند که یک فرو افتادن از پشت اسب جلوری بر عقل و منطق او در مورد چنین امری، یعنی مسائل هنری چیزی شد که سرتکب اعمالی‌ست نظیر نابود کردن آثار هنری و شنیدگی گردید. گفته می‌شود که او بنامین ساختمان را تهدم کرد و باعث بیرون کشیدن استخوانهای شخصیت معروفی چون وشیفالدین فضل‌الله از مزارش در ربیع رشیدی گردید. در شیراز حکومت یس درین شاهزاده‌ها، اسکندر و ابراهیم، برای صاحبان علم و هنر موقعیت ممتازتری ایجاد کرد. لیکن یکی از بهترین دوازده برحادثه از نظر هنری برای ایران تحت فرمانروایی آن گروه از خاندان قدرتمند تیموری بود که از هرات بر مناطق سریعاً ضعیف شده در شرق ایران حکومت می‌کردند. از زمان فرمانروایی شاهرخ (۱۴۲۷ - ۱۴۰۲) که هنوز بسیار نیرومند بود و به جنوب ایران و حتی به ارمنستان و ساورای قفقاز لشکر کشید، گرفته تا زمان سلطان حسین بایقرا (۱۵۰۶ - ۱۴۷۳ م) که صرفاً یک حاکم بومی و محلی بود، هرات به مدت یک قرن مرکز بزرگ حیات هنری و ادبی ایران باقی ماند. این هرات

در مورد تعداد زیاد شعرا نویسنگان و مورخان که در قرن پانزدهم در هرات می‌زیسته‌اند، رک به: برون، تاریخ ادبیات ایران، جلد ۳، همچنین رک به: مطالب جمع‌آوری شده توسط ل. برون، *Essai Sur la Civilization Timouride*, Paris, 1926, pp. 299-299, 300.

دربارهٔ نقایر تیموریان رک به: Khayyaf in JA, 1860, XV, pp. 532-543 و اخیراً جاده‌ای به سوی مارواه‌النهر،

درخشندگی و شکوفایی میناتور ایران نیز همراه است، که مترادف و متصل با شاهزاده‌باستانگر، در اوایل دوران اقتدار اوست. و هم در ادوار بعدی که هنوز در اوج رونق بود - گرچه که از قدرتش قدری کاسته شده بود - که نمونهٔ بارز این رونق بهزاد بزرگ می‌باشد.

۹. با این همه، رسیدن هرات به حد اعلای شکوه و درخشندگی در شرق، فعالیت‌های هنری قرن پانزدهم را از جلوه و جلا نیانداخت. در بخش غربی مخالفان عمدهٔ تیموریان، از طایفه ترکمانهای گوسفند سفید و گوسفند سیاه، که در زبان ترکی آن قویونلو و قره‌قویونلو معروف‌اند بودند. قره‌قویونلوها از شوکت و افتخار بهره‌مند بودند و تحت فرماندهی جهانشاه پورشهای خود را حتی به هرات گسترش دادند. عالیترین بنای باستانی و قدیمی تبریز معروف به مسجد کیود (گؤوک مسجد) بحق منتسب به اوست.<sup>(۱)</sup> جهانشاه فریحهٔ شاعری داشت و با تخلص «حقیقی» شعر می‌سرود و نسخه‌ای از اشعار ترکی و فارسی او هنوز موجود است. هنگامی که آن قویونلوها رقبای قره‌قویونلو را از اریکهٔ قدرت به زیر کشیدند، فعالیت‌های خود را در تبریز متمرکز کردند. در آنجا از زون حسین مدرسهٔ ناصریه را بنا کرد، جایی که خودش در آن مدفون است، مسجدی در قسمت شمال میدان صاحب‌آباد ساخت که اولیا

۱. نوشته‌ها: برون، ۱۹۳۷، فهرست ذیل هرات.

۱. بنا بر نظر و میسنس W. Hinz، تاریخ مسجد، ۲۵ اکتبر ۱۹۶۵ و معمار آن شخص به نام احمدین محمد می‌باشد. ZDMG, 1937, pp. 59 and 62. جی. سواجت J. Savaget، مطبوع شده در آن معمار مسجد، شخص مذکور بوده یا خیر، رک به: *Ans. Islamica*, 1938, VII, p. 105.

پژوهشگاه علوم انسانی  
پرتال جامع علوم انسانی

چلیس<sup>(۱)</sup> از آن یاد کرده و احتمالاً قصری که جوزفا باربارو و Giosefi Barbaro آن را هفت دست خوانده است، از ساخته‌های اوست. به فرمان سلطان یعقوب، جانشین بعدی اوزون حسن، دربار از استعداد‌های هنری مملو و غنی گردید. مجموعه‌ای از مینیاتورها برای شاهزاده تنظیم و گر دآوری شد که اکنون در موزه Vieux Serail در استانبول<sup>(۲)</sup> نگاهداری می‌شود. در میان بناهای او، قصر با شکوه هشت بهشت<sup>(۳)</sup> با یک هرم (آنچنان وسیع که یک هزار زن ممکن بود بپراحتی در اتاقهای مختلف آن زندگی کنند)، و یک مسجد، یک مهمانسرا و یک بیمارستان وجود دارد.

۱۰. مرکز سیاسی و فرهنگی ایران بارها بنا به تصمیم و فرمان سلاطین بزرگ صفویه جابجا شد. مقر اصلی خاندان صفوی، جایی که پیشینیان آنان قبلاً سکونت کرده بودند، احتمالاً از زمان سلجوقیان، شهر اردبیل در زاویه شرقی آذربایجان بود. این شهر پایتخت باستانی ایالت بود. محلی که فرمانروای ساسانی (مزریان) در زمان حمله اعراب آنجا می‌زیست. بعد، بویژه پس از سلطه مغول در قرن سیزدهم، اولین مقر در آذربایجان به تبریز تغییر یافت. ولی اردبیل همچنان به عنوان یک نوع ایالت خود مختار

۱. عالم آراء، ص ۲۱۷؛ اولیای چلیس، سیاحتنامه، ج ۲، صص ۲۴۵، ۲۷۸؛ همچنین مقایسه کنید با هیئتس همان مأخذ.

2. Saekislon, Miniature persane, paris, 1929, pp. 34-7.

۳. قیوم شماره ۳۷۰۸۴، شامل نمونه‌هایی از خوشنویسی و خطاطی و... توسط سلطان علی شیخ محمد، و دیگران که خودشان را یعقوب می‌خوانند می‌باشد.

۳. «ساح گنم ایتالایی» در جمعیت هکلیت Hinklyut، ۱۸۷۳، صفحه ۱۷۳ آن را Antislav می‌نامد، و می‌گوید: در زیر سقف آن همه مبارزات بزرگ ایرانی و مأموریت‌های سیاسی و... افتا و روشن شده است.

و زوال‌ناپذیر در زیر پوشش تقدس شیوخ آن - اجداد شاه اسماعیل اول - به حیات خود ادامه داد. اردبیل و حومه آن نمونه‌ای منحصر به فردی از یک شهر موزه‌ای مملو از خاطرات و یادگارهای دینی و الهی است. سلاطین صفوی هیچ‌گاه در اردبیل سکنی نگزیدند، اما خاطرات مذهبی اقامتگاه پدرانشان را گرامی می‌داشتند.

ساره<sup>(۱)</sup> Saru معتقد است که مسجد اردبیل در نیمه دوم قرن سیزدهم بنا گردید، مقبره مشهور شیخ صفی‌الدین، در اواسط قرن چهاردهم و بقیه ایته که شامل اماکن مقدسه هستند، در قرن پانزدهم و شانزدهم بنا گردیدند.<sup>(۲)</sup> اردبیل هیچ‌گاه به عنوان یک مرکز هنری که هنرمندانی از آنجا برخاسته باشند، نبوده، بلکه فقط به عنوان محلی برای خزان و گنجینه‌ها شناخته شده است. شاه اسماعیل همین که طایفه آق‌قویونلو را بیرون راند (۱۵۰۲م)، دیری نپایید که مرکز فرماندهی خود را در تبریز تأسیس کرد. دیگر روزگار خوش هرات، مرکز رقابتها به سررسیده بود. در ۱۵۰۷م از یک محمد شیانی مؤسس خاندان پادشاهی جدید آسیای مرکزی، هرات را تصرف و هنرمندان چندی را که در آنجا یافت، بیرون راند. با این همه پیروزی او صرفاً یک حکومت کوتاه مدت و بی‌دوام بود زیرا به دست شاه اسماعیل در ۱۵۱۰م مغلوب و کشته شد. در این هنگام هنروران نامی قبلی مکتب هرات، نظیر بهزاد، به تبریز نقل

1. Denkmal Persischer Baukunst, Textband.

۲. حسن تحت نفوذ و فرمان قاجارها، مرمت و تعمیر اماکن متبرکه که ادامه داشت همچنان که در یک نوشته خطی ۱۳۰۹ ه.ق. ۱۸۹۱ م نشان داده شده است.



مکان داده شدند.<sup>(۱)</sup> که به نظر می‌رسید برای یک دوره بزرگ پرسابقه هنری در آنجا باقی می‌مانند. در ۹۲۰ ه‍.ق / ۱۵۱۴ م شاه اسماعیل در جنگ چالدران (شمال غربی خوی) از سلطان سلیم عثمانی که برای مدت کوتاهی تبریز را اشغال و قوای خود را به قسطنطنیه<sup>(۲)</sup> هدایت کرده بود، شکست خورد. یک سلسله جنگهای طولانی ایران و عثمانی شروع گردید. و شاه طهماسب (۱۵۷۶-۱۵۲۲ م) جانشین شاه اسماعیل، ناگزیر شد پایتختش را به قزوین انتقال دهد. ولی حتی در آغاز سلطنت شاه عباس اول هم این شهر نتوانست از هیچ زیبایی خاصی برخوردار باشد.<sup>(۳)</sup> مگر حکومت در دولتی که احتمالاً محله‌ای دارای ساختمانهای عمومی

۱. بهرام، متوفی ۲۲۲ ه‍.ق ۱۵۲۶ م. طبق مقدمه آلبوم تنظیم شده برای بهرام میرزا، پسر شاه اسماعیل (که اینک در استانبول می‌باشد) در تبریز به خاک سپرده شده است.

۲. همچنین رک به: Angioletti, ed. Hakhyt Society, P.121. تبریز وارد تبریز شدند و بلافاصله با یافتن حفصه خانوار زکاکرگان ماهر، آنان را به قسطنطنیه (استانبول) اعزام داشتند.

3. *Relation d'un voyage de Perse faite en l'année 1598-9 par un gentil-homme ala Seigneur Scierley (= Shirley), Paris, 1651 (Dauvin) est un peu moins grande que Londres en Angleterre et aussi longue, mais fort mal bastie de terre foulée... sans que la villa ait murailles ni rivière hors un petit ruisseau qui coule par un quartier dicelle. Tercander von der Jabel (1602), I ter persicum, ed. Schefer, 1877, p. 46.*

(مقایسه کنید قزوین را با بزنسوا شهری در جنوب غربی هلند، شهر اصلی و مهم کلیکیه با ۵۱۴۱۰۰ نفر جمعیت).

بود،<sup>(۱)</sup> قرار داشت که محلی به نام ایوان چهل ستون (عمارتی مرکب از چهل ردیف ستونهای عمودی) متعلق به آن بود. که همان اصلی آن بعداً به همان شکل در اصفهان بنا گردید. مراسم و جشنهای عمومی در میدان اسب دوانی (میدان مسابقه‌ها) واقع در نزدیکی باغ سعادت آباد برگزار می‌شد.<sup>(۲)</sup> قزوین تنها محل اقامت موقت شاهان، برای تصمیم‌گیری در تعیین مقر نهایی یا ترکها بود.<sup>(۳)</sup> شاه نالایق سلطان محمد خداپسند دو بار کوشید تا مرکز حکومت را به تبریز برگرداند، ولی در ۱۵۸۵ م شهر توسط عثمانی‌ها اشغال شده، به طور کامل به حال عادی برگشت. تا اینکه در سال ۱۶۰۳ م این امر توسط شاه عباس تحقق پذیرفت. چون شاه طهماسب یک علاقمند هنری بزرگ و یک مشوق هنر کاتب بود، می‌توان فرض کرد که بسیاری از مینیاتورهای دارای هویت، معروف و افتخارآمیز اوایل دوره صفویه تحت سرپرستی مستقیم او در قزوین انجام گرفت. با وجود این به رغم تغییر و تبدیلهای مداوم سیاسی، تبریز به عنوان بزرگترین شهر کشور سلطنتی شناخته می‌شد<sup>(۴)</sup> و همچنین شرایط مساعد خصوصاً برای هنر و صنایع پدید می‌آورد. از این جهت، ما حداقل

۱. به فرمان شاه طهماسب شناخته شد، عالم آرا، ص ۲۶۸.

۲. رک به: عالم آرا، صفحه‌های ۲۹۷ و ۳۲۱ و ۳۲۶. (مؤلف میدان اسب ریا میدان سعادت آباد یکی می‌داند).

۳. Tezeire، ترجمه فرانسه، صفحه ۳۷۹ می‌گوید که قزوین مقر شاهان ایران شد پس از سقوط نوبویه این شهر مرتباً و پشت سر هم به وسیله ترکها در ۱۵۱۲، ۱۵۳۲، ۱۵۴۸، ۱۵۸۵، ۱۶۰۳، ۱۶۱۰، ۱۶۱۸، ۱۶۳۵ م اشغال شد و شهر طی سالهای ۱۷۲۴ و ۱۷۲۵ و ۱۷۲۷ و ۱۷۲۹ و ۱۷۳۱ و ۱۷۳۶ م به طور کامل مورد جستجو و بازرسی قرار گرفت.

۴. طبق سدرجات عالم آرا، ص ۲۲۲. این شهر دارای یکصد هزار سکنه بوده است.

یک منبع مهم در این باب در اختیار داریم: کتاب خطی معروف ضمنه نظامی (موزه بریتانیا تحت شماره Or. ۲۲۶۵) که تهیه آن چهار سال تمام به طول انجامید (۱۵۳۹-۱۵۲۳)، برای شاه طهماسب در تبریز به رشته تحریر درآمد.<sup>(۱)</sup>

مرگ سلطان مراد سوم (عثمانی) در ۱۵۹۵ م مایهٔ ابدواری و دلگرمی بیشتری برای ایران در مناطق اشغال شده توسط عثمانی بود، ولی دشمن خطرناک دیگری ایران را از جانب مشرق تهدید می‌کرد، یعنی ازبکها، در اینجا نیز رهایی از دست دشمن بسیار نزدیک بود، لکن در این موقعیت مهم، نیروی شاه عباس قادر نبود حملات ناگهانی مهاجمانی را که از جانب خراسان تا به حدود یزد (۱۵۹۵ م)، کاشان و خوار (۱۵۹۷ م) نفوذ کرده بودند، عقب براند، و این حوادث سیاسی ممکن است بر تصمیمات جدی و مهم شاه عباس در انتقال پایتخت به منطقه‌ای جنوبی‌تر یعنی اصفهان اثر گذاشته باشد. باید به یاد داشته باشیم که چهار شهر بزرگ در ایران آن زمان از عنوان دارالسلطنه (به معنی شهر مقر حکومت شاه) برخوردار بودند: هرات، تبریز، اصفهان و فزوین، لیکن دو شهر اولی یعنی هرات و تبریز توسط قوای دشمن اشغال شده بود، و تنها فزوین به نام مقر السلطان پایتخت محل استقرار حکومت خوانده می‌شد. این عنوان اخیر (پایتخت) اکنون به اصفهان منتقل شده بود.

۱۱. شاه عباس که در ۱۵۸۷ م به سلطنت رسیده، اولین اقامت کوتاه خود را در اصفهان (۱۵۹۱ م) قرار داد و در سالهای ۱۵۹۳-۱۵۹۷ به آنجا

۱. مسافانه کنید با «تبریز» فانی احمد، تصویرگر و نقاش ترجمه و. و. نس. منورسکی، واشنگتن، ۱۹۵۹، ص ۳۳.

مراجعت نمود. مراسم سنتی نوروز ۱۰۰۶ هـ / ۱۵۹۸ م در قزوین که سرمای فوق‌العاده‌ای در آن سال آنجا را فرا گرفت، برگزار شد و شاید همین امر در سرعت بخشیدن به تصمیم او که مدت زمانی<sup>(۱)</sup> به تأخیر افتاده بود، تأثیر داشت. و مراسم نوروز (۱۰۰۷ هـ / ۱۵۹۹ م) در پایتخت جدید انجام گرفت.<sup>(۲)</sup> شهر بزرگ در آن زمان دارای نشانه‌های متعددی از گذشته‌ها بود، اما شاه عباس به ابتکار خود نقشه‌های اصولی و ریشه‌ای مجدد در کوچه‌ها، میادین، بازارها<sup>(۳)</sup> با طرحهای جالب و نازدونی به وجود آورد. شاه اقامتگاه خود را در ادارات حکومتی (دولخانه) در باغ نقش جهان قرار داد. تا بهار سال بعد، ساختمانهای جدید در آنجا مهیا بودند. از دروازه دولت نزدیک حرم نقش جهان خیابانی تا محل رودخانه کشیده شد با چهارباغ در چهار گوشه<sup>(۴)</sup> و بسیاری ابنیه زیبا که در راستای آنها ساخته شد، این خیابان (چهارباغ) در قسمت جنوبی رودخانه ادامه یافت، قطعه زمینهایی بین امرا و نجبا تقسیم شده بود، که شاه عباس طی فرمانهایی به این مضمون از آنها خواست تا بناهایی مزین به کتیبه‌ها و قرنیزهای طلائی و نقره‌ای در آنها بسازند. در انتهای خیابان، باغ پهنواری با ۹ ایوان (نه طبقه) کشتکاری شده و به نام عباس آباد موسوم شده بود. در طرفین ساحل رودخانه، پایه‌های پلی با چهل طاق ضریبی استوار شده

۱. عالم آرا، صفحات ۲۸۷، ۳۰۹، ۳۲۲ و ۳۶۱.

۲. همان اثر ص ۳۷۲.

۳. نگاهی دقیق و روشنگار به ابنیه باستانی اصفهان: آذکار در آثار ایران، ج ۲، بخش

۱، ۱۹۳۷، صص ۱۰۱ و ۱۷۶.

۴. با: چهارباغ در هر طرف.

بود. طول تمام خیابان یک فرسنگ (۴ مایل) بود، در هر دو طرف آن درختان کاج، چنار، عرعر، کاشته شده بود و نیز در هر دو طرف و در وسط خیابان نهرهای آب جریان داشت. استخر وسیعی در مقابل هر یک از ساختمانهای چهارباغ وجود داشت و در سمت غرب خیابان، شهر عباس آباد، برای مهاجران آذربایجانی ساخته شده بود.<sup>(۲)</sup>

دوران تاریخی اصفهان در تاریخ ایران تقریباً (۱۷۲۲ - ۱۶۰۰ م) با اقدامات تحسین برانگیزی در کلیه رشته‌های هنری مشخص شده است. ولی پیش از همه، این آثار در رشته معماری بوده است. میدان بزرگ با سبک مخصوص خود یعنی مساجد، قصور و خیابانها، کوششی دلیرانه در بازسازی یک شهر کهن آسیایی با طرحی ماهرانه و اندیشمندانه است.<sup>(۲)</sup> این ساختمانهای مجلل و برجسته همه نوع فراورده‌های هنری و مواد پیش ساخته و تزیینی، موزائیکهای تزیینی، چوبهای کنده شده و منبت کاری شده زواره‌های منقوش و سفالهای تزیینی و انواع فلزات را لازم داشت و بنابراین، از متخصصان کلیه نقاط استقبالی می‌شد.

عده زیادی از خارجی‌ها، هم آسیایی و هم اروپایی، که در اصفهان زندگی می‌کردند، تمام اوقات خود را صرف تماس بین هنر ایرانی و

۱. عالم آراء، صفحه ۳۷۳، جایی که مؤلف (نوشتن آن در ۱۶۱۶ م، زمانی که اصفهان به طور کامل بازسازی شد) به سالهای ۱۰۰۵ هـ ق / ۱۵۹۷ م به عنوان سالی که چهارباغ طرح‌ریزی شد، اشاره می‌کند.

۲. بسیاری اوقات شاردن و تاورنیه توصیف کرده‌اند. مقایسه کنید با Diez, *Isfahan*, in *Zeitschr. f. bildende Kunst*, ۱۹۱۵, pp. XXXVI. ولی مهمتر از همه آنها آخرین اثر XXXVI, 1915, pp. 104-113, 128 گذار است.

غیرایرانی می‌نمودند. بنا به نوشته‌های تاورنیه<sup>(۱)</sup> Tavernier، شاه عباس دوم، یک تابلوی نقاشی از یک مرد هلندی، یک مجلس میگساری مرکب از انگلیسی‌ها و هلندی‌ها را روی دیوارهای تالار پذیرایی از مدعوین خود داشت. بازرگانان جلفا دو نقاشی رنگ روغن از شهرهای ونیز و لگورن Leghorn به او هدیه کردند؛ دو نقاش هلندی به اسامی انجل Angel (۱۶۸۳-۱۶۱۶) و لوکار Lokar که شرکتی هلندی آنان را به ایران فرستاده بود، و آنان به شاه تعلیم نقاشی می‌دادند، از او یک نقاش توانا ساختند. می‌دانیم که حتی مینیاتورهای کاملاً ایرانی مستقیماً تحت تأثیر هنر ایتالیایی‌ها و هلندی‌ها قرار داشت. محمد زمان (نیمه دوم قرن هفدهم) که در ایتالیا تحصیل می‌کرد، شخصیتی جالب و پژوهشگر بود. ظریفی که او کوشید نقاشی ایران را بدان وسیله تغییر دهد، کاری جالب و به یاد ماندنی و پیشگام است که حتی برای هنرمندان کنونی ایرانی خالی از اهمیت نیست. فرش و منسوجات در محلهای عادی خود به تولید خود ادامه می‌دادند<sup>(۲)</sup> ولی بازارهای اصفهان، تولیدات آنها را تشویق و در مرغوبیت طرحهای آنها نظارت داشتند.

هیچ کس ادعا نمی‌کند که دوران شکوه و عظمت اصفهان اصولاً و یا ممزوج با موقعیت جغرافیایی آن بوده، ولی انتخاب آن به عنوان پایتختی قدیمی و باستانی، ترجیحاً به سبب واقع شدن در مرکز کشور، و در یک

۱. سفرها، کتاب چهارم، فصل هفتم و هیجدهم.

۲. در بین هدایایی که شاه عباس در سال ۱۵۹۸ م به مشهد مقدس تقدیم داشت. چراغهای گرانها و شمعدانهای نفیس، گدانهای متنوع و قالیهای پر بها و زیبا (قالیهای با تکلف) کرمان و جوشقان را می‌توان برشمرد.

قسمت خالصاً ایرانی آن، مسلماً فرصتهایی برای پیشه‌وران به وجود می‌آورد و تجارت را نه تنها در این بخش یا آن بخش دور افتاده ایران، بلکه به طور هماهنگ در کلیه استانها تشویق و ترویج می‌کرد، به طوری که هر یک می‌توانست جهت کسب اختار برای پایتخت که جاده‌ها در نهایت در آنجا به هم می‌رسیدند، اهتمام کند. به قدرت رسیدن صفویه با کشف مسیر دریایی دور دماغه امید نیک هم زمان گردید، در حالی که مرزهای غربی عملاً بر روی ایران بسته بود، به مناسبت کشمکش طولانی با عثمانی، تأسیسات پرتغالی‌ها در هرمز و سایر مناطق خلیج فارس برای ایران یک راه خروجی از سمت جنوب گشود. لذا انتقال پایتخت به اصفهان در واقع حرکتی به سوی تماس نزدیکتر با اروپا به شمار می‌رفت. با این همه فعالیت‌های صفویه به هیچ وجه به پایتخت محدود نشد. کافی است در اینجا از تزیین اماکن مشرکه اردبیل، بنای مسجد بزرگ در هرات<sup>(۱)</sup> توسط شاه عباس اول، ایجاد دو اقامتگاه زیبا در فرح‌آباد (۱۶۱۲) و اشرف (۱۶۱۳) مازندران با کاخها و پارک‌هایی که به طرز عالی تزیین یافته و بالاخره کاروانسراهایی بی‌شمار تقریباً در کلیه معابر و راههای اصلی، ذکری به میان آید.

۱۲. هجوم افغانه، تجربه‌ای کوتاه مدت ولی دردناک بود. استانیهای غربی زیر سلطه ترکها و سواحل خزر در اختیار روس‌ها بود. در حالی که طوایف مختلف توسط نادرشاه از کشور بیرون رانده می‌شوند، انبوهی از

۱. عباس اول در اوایل طفولیت، حاکم خراسان بود که مرکز آن هرات بود. بعد از جنگ با پندوش، عباس برای اولین بار در ۹۹۵ هـ ق / ۱۵۸۷ م به طور رسمی سلطان خراسان نامیده شد.

ویرانیها هم در اصفهان، هم در مسیر راه عقب‌نشینی آنها به جا مانده بود. این سنتره جدید در همه آسمان ایران سابقه‌ای تاجیدی غیرعادی و مشتمل بر حوادث گوناگون داشت، احتمال می‌رفت اصفهان پایتخت باقی بماند. چون در همان مراحل اولیه، نادر چنین وانمود کرد که تجدیدکننده قدرت صفویه است، و متواضعانه خود را طهماسب قلی یعنی غلام شاه طهماسب دوم نامید، ولی شیعیان متعصب اصفهان با شخصی که دیدگاه و رؤیای او اتحاد درباره شیعه و سنی بود، هم سلیقه و هم عقیده نبودند، و این امر جالب و مهمی است که تاجگذاری نادر در یک خیمه دور افتاده در دشت مغان (واقع در شمال اردبیل) انجام پذیرفت. هرگاه این فرمانروای همیشه جنگجو و همواره در حرکت، اختیاری برای تعیین محل حکومت داشت، بی تردید زادگاه خود خراسان را ترجیح می‌داد.<sup>(۱)</sup> برای ایمن بودن از لطمات وارده از جانب هندوستان، صادر قسمتی از مرزهای شمالی خراسان را که به طور طبیعی فوق‌العاده مستحکم بود. تقویت کرد، که به نام کلات نادری خوانده شد.<sup>(۲)</sup> فرمانروایی کوتاه عمر دردمان نادر به سرعت قسمت اعظم ایران را از دست داد و فقط در خراسان و حاکم نشین آن مشهد، نادری‌ها و تعداد معدودی از تبار صفویه قدرت خود را تا هنگام به سلطنت رسیدن قاجاریه حفظ کردند. نادر در زیباسازی ساختمانهای مرقد حضرت امام رضا(ع) اهتمام کرد و برخی از آنها را با خشتهای طلا پوشانید. همچنین در مشهد مقبره رفیع و

۱. او به اهل افشار واقع در ایورد در شمال خراسان، متعلق بود. رک به:

مقاله مؤلف «نادر» در «دائرةالمعارف اسلام، ششم».

۲. نام ایرانی و اصل آن احتمالاً کنگ دژ بود. مقایسه کنید با پندوش، هفت، ۳۵.

پرشکوهی برای خویش بنا نمود.<sup>(۱)</sup>

در عین حال، کلیه قسمت‌های جنوب، غرب و شمال ایران تحت‌الحمايه سرکرده لایق گرد (لُر) یعنی کریم‌خان زند که مقر حکمرانی خود را در شیراز، در استان فارس تعیین کرد، قرار داشت که ابتدا مقر هخامنشیان و ساسانیان و یکی از جایگاه‌های اصلی آل بویه بود. لکن همچنان که دودمان‌های دیگر از جانب فارس وسعت یافتند، زندیه که یگانه نماینده بزرگ آنان خود را با عنوان وکیل‌الرعا یا قانع می‌ساخت، هرگز آنقدر از سمت شمال، جایی که نادری‌ها به فرمانروایی در خراسان ادامه می‌دادند، و قاجارها در انتظار به دست آوردن فرصت مناسبتری بودند. یا فراتر نمی‌گذارد. کریمخان، شیراز را به طور قابل ملاحظه‌ای با بنای مسجد و بازار آراست و ما از چهره وی تصاویری چند از آثار هنرمندان را در اختیار داریم.<sup>(۲)</sup>

۱۳. پس از سروری و اولویتی که بین سالهای ۱۷۵۰ - ۱۷۹۴ م خطه جنوب از آن برخوردار بود، قاجاریه که قبیله ترک زبان آن، دشتها و جلگه‌هایی در زاویه جنوب شرقی خزر در نزدیکی استرآباد را در اشغال خود داشتند، مرکز پادشاهی به قدرت رسیده را به شمال منتقل کردند. تهران، پایتخت جدید، در ازمنه قدیم، دهکده‌ای کم اهمیت در مجاورت

۱. علی حزین، تاریخ احوال، لندن، ۱۸۳۱، ص ۲۵۲. برای ساختمانهای نادر، رک به: کتاب مؤلف:

*Esquisse d'une histoire de Nadir-chah*, Paris, 1934, p. 39.

۲. به امر آغا محمد خان قاجار، نقاشیها، آینه‌ها، ستونهای مرمرین قصر کریمخان به کاخ جدید در تهران منتقل شد.

شهر ری بود<sup>(۱)</sup> و فقط در عهد صفویه قدری اهمیت یافت. موقعیت تهران توسط کریمخان که یک سلسله ساختمانهای دولتی در آنجا بنا کرد، مورد توجه قرار گرفت. قاجارها در درجه اول تمایل داشتند در نزدیکی املاک موروثی و قبیله خویش که در استرآباد بود، باشند. از طرف دیگر، چون فاصله بین دو سلسله سلطنتی، به افغانها، ترکها و روسها فرصت داده بود عملیات خود را برای اشغال استانهای شمال غربی، و خزر هم آهنگ کنند، سلسله جدید نگران، و مایل بود نظارت دقیق بر این تهدیدات خطرناک داشته باشد. ارمنستان از سمت غرب، و هرات از شرق که قاجاریه سعی داشتند علاوه بر آنها فرمانروایی خود را در شمال نیز برقرار و حفظ کنند. تهران در بین راه آذربایجان و خراسان واقع بود و اهمیت این منطقه به واسطه گذشته افتخارآمیز شهر بزرگ «ری» که رسوم و سنن آن در تهران می‌بایستی ادامه می‌یافت، مورد توجه قرار گرفته بود. اقدامات موفقیت‌آمیز در تهران، در تاریخ ایران نیاستی ناچیز و کم ارزش تلقی شود. این، دوران یکپارچگی و نوین‌سازی تدریجی کشور است. تهران اکنون پرجمعیت‌ترین شهر ایران،<sup>(۲)</sup> و بدون چون و چرا هسته

۱. نخستین سخنی که بدون تردید از آن در منابع موجود در قمارنامه رفته است، در ۱۱۶۰ میلادی می‌باشد. رک: به مقاله تهران در دائرةالمعارف اسلام.

۲. قبل از جنگ جهانی. تبریز با ۲۵۰ هزار سکنه پیش فرض شده آن، به نظر می‌آید که بیشترین تعداد جمعیت را دارا بوده است. اکنون گننه می‌شود تهران دارای جمعیتی بالغ بر ۳۵۰ هزار نفر یا حومه‌ها و دهکده‌های اطراف آن حتی به ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر می‌شود (در ماه ژوئیه ۱۹۶۰ سکنه تهران بالغ بر یک میلیون و ۸۳۸ هزار و ۹۰۰ نفر خواهد شد) [آمار ذکر شده مربوط به سال ۱۹۳۱ است. مترجم].

مازندران و جالوس و چشمه علی (نزدیکی ری) در غور توجه است.<sup>(۱)</sup>

۱۴. قضاوت و پیش‌بینی دربارهٔ سلطنت دودمان بعدی پهلوی، که مؤسس آن به پایتخت قاجاریه وفادار مانده، هنوز بسیار زود است. ولی پیشرفت در حمل و نقل به وسیله نیروی ماشین، راه آهن، و خطوط هوایی سیمای ایران را تغییر می‌دهد، هنوز تمایلی از جانب پایتخت بسوی مدرنیته شدن در نرابت است. تهران عملاً در حال بازسازی است. جوانان ایرانی در کشورهای خارج ووشهای مختلف اروپایی را در بیان و ابراز نظریات خود می‌آموزند. غیر ممکن است انتظار داشته باشیم نسل جدید، روشها و سنتهای قدیمی و بومی را در خلق و ایجاد افکار نوین به کار گیرند. الحاق و یکی شدن قدیم و جدید، که تاکنون مجزا بوده‌اند، امر ساده و آسانی نیست. شاید بتوان پیش‌بینی کرد که معیارهای غربی طولی نکشد که در اولویت قرار گیرد، مگر اینکه آموزشهای بخصوص در مدارس هنر و صنعتی برای حفظ و حراست از سنتهای ملی با حمایت از تئوریهای معقول در استفاده از استعدادهای غربی و باطنی به این امر کمک کند.

این نقطه نظر ما در آستانهٔ حکومت جدید متوقف می‌شود. تغییرات بسیاری در ایران در طی دوازده سالهٔ اخیر صورت گرفته است. به مناسبت جشن هزارهٔ فردوسی در ۱۹۳۲م، من افتخار شرکت و حضور در مراسم رسمی سیاسی و فرهنگی یکپارچگی قومی و زبانی قرن نوزدهم امپراتوری کهن را داشتیم. پیشرفتی در مطالعه و آموزش همانند آموزش

هنرهای ملی ایران و صنایع دستی حاصل شده است. با وجود این الحاق و اتصال و تلقن عکار سنتی قدیم و هنری جدید و روشهای نوین که از جانب غرب برات کرده، هنوز هم به صورت یک مشکل باقی است، مشابه آنچه که هنرمندان ایرانی در قرن سیزدهم برای خود حل کردند. زمانی که تألیف و نفوذ خاور دور بسیار هماهنگ و ماهرانه با میراث هنری محلی ایران مزوج گردید.

### شرق و غرب در فرهنگ ایران

مطلب اساسی دیگر از تاریخ هنر ایران، و حتی از تمام حیات فرهنگی ایران، نقش اثر مربوط به بخشهای شرقی و غربی ایران است. موضوع بر روی حواصت مراکز سیاسی که بر مدار آن فعالیتهای هنری در ادوار مختلف و بسیار مهم می‌گردد، متمرکز می‌باشد.

۱. کزیر تورکی، مانند یک دریای غیرقابل کشتیرانی داخلی، شکل طبیعی ایران بزرگ است. جاده‌ها در حومه‌های جنوبی در اطراف راههای قرعی، مناطقی را که از نظر اهمیت در درجهٔ دوم قرار دارد، به هم متصل می‌کنند. درست است که فارس مهد استانهای ایران و یکی از زنده‌ترین و پراثرترین بخشهای امپراتوری است،<sup>(۱)</sup> ولی حتی در دوران سروری و حکمرانی، فارس هیچ وجه تمایز مشخصی نسبت به استانهای جنوب شرقی، از قبیل کرمان، بلوچستان، سیستان که به دشواری بر نیازهای محلی خود قائل می‌آمدند، نداشت.<sup>(۲)</sup> طبیعتاً استان فارس به سمت

۱. رک به: صفحات قبل، بخش مراکز فرهنگی ایران.

۲. تنها مورد استثنای، یکی از فرمانروایان صفاری، برخاسته از سیستان (۹۰۳-۸۶۷ م) \*

مرکزی حیات فرهنگی ایران به شمار می‌رود. در اینجا ادارات دولتی و مدارس، جراید معتبر و مجلات متعدد برای سکونت خارجیان وجود دارد. از لحاظ کتابفروشیها فقط تبریز در کنار تهران می‌تواند عرض اندام کند. با این همه نمی‌توان منکر شد که تحت حکومت قاجاریه، فرهنگ و هنر به چنان معیارهای قابل توجهی - آنچنان که در عهد مغولها یا صفویه بود - نرسید. مهمترین اقدامات معماری در پایتخت فقط مربوط به آخر حکومت ناصرالدین شاه، یا دقیقتر گفته شود، از زمان بازسازی و بزرگسازی شهر در سنه ۱۸۷۰ م می‌باشد. بنای برجسته و معظم «مسجد عالی سپهسالار» در ۱۸۷۸ شروع و در ۱۸۹۰ م پایان یافت. یک قیافه بارز و برجسته پایتخت، ویلاهای متعدد اطراف شهر متعلق به شاهزادگان و سایر ائمه جالب آن با سبکی ظریف، نشان دهنده بناهای سنتی زمان صفویه می‌باشد.<sup>(۱)</sup> قاجاریه چندین بنای دولتی در استانهای مختلف ساختند. ولی چنین ائمه‌ای بندرت نظایری در شهرهای دیگر داشتند. مثلاً در کرمانشاه، که آن هم فقط برای اهداف معینی احداث شده بود. پادشاهان به ساختن اماکن و مقابر مقدسه در شهرهای مشهد، قم، اردبیل و بین‌النهرین ادامه دادند، لکن توجه و علاقمندی کمتری به سنن و آداب قدیمی و معمولی مبذول می‌داشتند. به طور کلی، ایرانیان بیشتر ساختن ائمه جدید و نوسازی را بر نگاهداری بناهای موجود و کهن ترجیح می‌دادند. مینیاتورهای اولیه دوران قاجار هنوز هم به قدر کافی در اروپا

۱. در خود تهران باید گفته شود که ساختمان شمس‌العماره در کنار کاخ شاه و در مجاورت آن قرار دارد. ری بد.

d'Allemagne, Du Khorasan au pays de Backhtiaris [sic?]. Paris, 1911.

شناخته شده است. اگرچه این طریقه شناساندن توسط این افراد تدریجاً اروپایی شده با کلاه بلند پوستین و دارای حرمرسا با ساکنان زیبا و خواجهگان حرم، خیلی جالب توجه‌تر از تصویر بزرگ و رنگ روغنی صورت شاهان، خصوصاً تصویر فتحعلی شاه با ریش بسیار دراز و کمر بسیار باریک حشره مانند، یا رقاصان سنتی با حالات و اطوار غیر طبیعی می‌باشد. مینیاتورهای عهد قاجاریه، ندرتاً در کتابها به تصویر کشیده شده‌اند. آنها اکثراً بر روی ورقه‌های نامتناسب برای نقاشی، مقوا و خصوصاً روی قلمدانهای مقوایی، پشت آئینه‌ها و ... نقاشی شده‌اند. آنها اکثراً آثار کاملاً هنری هستند و نیز به علت توجه به تغییرات پی در پی مدل پوشش تشریفاتی و رسمی که سران قاجار در آن نقش صاحب سلیقه و منکر را ایفا می‌کردند، گرانها می‌باشند.

هنرهای دیگر هم در تهران ناشناخته نبودند، لیکن بهترین قالبها در محل اصلی آن یعنی در محل تولید، عرضه می‌شدند. برای منبت‌کاری و کنده‌کاری چوب و صنایع فلزی، بایستی به اصفهان رفت، کتیبه چوبی از رشت، بعضی از ظروف بلورین و ظریف از قم و کاشان و امثال آن آورده می‌شد. با افزایش واردات اجناس ابریشمین، مخمل و نقوش چاپی از خارج، لطمات بزرگی به منسوجات ایرانی وارد آمد. کوششهای قاجاریان در حفظ و زنده نگاهداشتن تصاویر خودشان بر روی سنگها به طریقه همخامشیان و ساسانیان بسیار قابل تعمق است. در میان آنها تصویر خانواده شاهزاده محمدعلی در طاق بستان،<sup>(۱)</sup> منظره شکار فتحعلی شاه در شهر ری، تصویر ناصرالدین شاه در حالت حرکت در جاده‌های

۱. اسم محلی: طاق بستان.

غرب کشش داشت، همان گونه که سوابق هخامنشیان، ساسانیان و آل بویه به طور وضوح این مسئله را نشان داده است.

پراهمیت‌ترین جاده‌ها، جاده بزرگ خراسان بود که از جاده کمربندی حاصلخیز بین کناره‌های شمالی کویر و دامنه تپه‌های جنوبی منطقه البرز امتداد داشت لیکن همین جاده‌های اصلی چیزی نیست مگر یک رشته باریک کشیده شده مابین بین‌النهرین و آسیای مرکزی. منطقه تهران (ری قدیم) متریقی‌ترین بخش شمال غربی ایران با فاصله ۵۵۰ میل مربع از نیشابور که مرکز غربی‌ترین «ربع» خراسان می‌باشد، مجزا شده است. هنوز خراسان دارای سه ربع دیگر یعنی هرات، بلخ و مرو می‌باشد و دورتر از آنها تا ماراءالنهر (بخارا - سمرقند) امتداد دارد که تا پایان حکومت سامانیان (۹۹۹ م) هویت ایرانی خود را محفوظ داشت<sup>(۱)</sup> نفوذ مستقیم تاریخی که غرب و شرق ایران زیر بار آن قرار گرفت، بسیار نامتشابه بودند، و جمعیت بومی و ساکنان اولیه‌ای که ایرانیان به مجرد ورودشان (حدود قرن دهم قبل از میلاد) آنان را تحت انقیاد خود درآوردند و با آنها مخلوط و ممزوج گشتند، بالنسبه مشخص بود. در سمت غرب ما با اسامی عیلامی‌ها، کاسیت‌ها (کاسی‌ها) و قبایل متعدد زاگروس مانایی‌ها در منطقه دریاچه ارومیه و مردم گوناگونی در اطراف دریای خزر (کاسپین - کادوسیان) و غیره آشنا هستیم. مرزهای غربی

→ که طی حضور کوتاهش گوشید قسمت شرقی و جنوبی ایران را در طون جاده جنوب کویر مرکزی متحد کند.

۱. جمهوری کوچک تاجیکستان روس به عناصر ایرانی مرکب از دستجات کوچکتر در شمال آمودریا (جیحون) پیوسته است.

شدیداً تحت نفوذ تمدن بین‌النهرین یعنی سومری‌ها، بابلی‌ها و آشوری‌ها قرار داشت. در قسمت شمالی‌تر امپراتوری اورارتو (قرن دهم - هفتم ق.م) با مرکز آن در وان تا فراسوی آذربایجان و ماوراءالنهر امتداد داشت. دورترین نقطه در مشرق که آشوری‌ها می‌شناختند، کوه‌های بیکنی Bikni (احتمالاً دماوند) بود. ولی در واقع فاتحین بین‌النهرین حتی به سختی توانستند تا دره‌های زاگرس رسوخ کنند. شرق ایران هرگز عملیات مستقیم آنها را تجربه نکرد. ما عملاً مطالب زیادی درباره جمعیت اولیه ایران شرقی نمی‌دانیم، ولی قبایل بادیه‌نشین ایرانی که برای اشغال و سکنی‌گزینی جلگه‌های آسیای مرکزی آمدند، با ایرانیان ساکن و کم‌تحرك بسیار متفاوت بودند، و وجود جلگه و قبایل بادیه‌نشین آن یک عامل ناشناخته در غرب به شمار می‌رفت. در اوستا و همچنین در اساطیر ایرانی و سرانجام در الگوی فردوسی، عامل عمده درگیری و کشمکش بین جمعیت مستقر و دائمی، قبیله‌های بادیه‌نشین هستند.<sup>(۱)</sup> لذا خلق شاهنامه منتسب به شرق است، و اکنون این واقعیت از طرف عموم پذیرفته شده است که «رستم» قهرمان بزرگ ملی مشخصاً متعلق به نژاد سکا می‌باشد که حوالی ۱۳۱ ق.م منطقه را به اشغال خود درآورد، و آنها نام خود سکستان (سیستان امروز) را به آن ناحیه دادند. در زمان هخامنشیان تقریباً تمام ایران متحد و ساکنان دور افتاده ساتراپی در قرارگاه‌های خود از شاه اطاعت می‌کردند. اینکه هنر هخامنشیان واقعاً بسیار عالی بود، از مدتها قبل به اثبات رسیده است. و اخیراً نوشتجات

۱. «تورانیان» اولیه نباید با ترکها، آنچنان که توسط مؤلفان گذشته انجام گرفته، اشتباه شود.



خطی به دست آمده در شوش بر نقش ایالات دوردست در تهیه مصالح ساختمانی که به وسیله معماران دوران هخامنشی مورد استفاده قرار می‌گرفته، پرتو تازه‌ای افکنده است، اگرچه این امر واضح است که اهدای مصالح ساختمانی توسط ساتراپی‌ها نسبتاً کم اهمیت بوده است. فتوحات اسکندر (۲۳-۳۳۱ ق م) برای سنن ملی شاید نقش تعیین کننده داشته است، ولی با انتقال فرهنگ پیشرفته‌شان به قلب آسیا، یونانی‌ها به یک ملت جدید مرکب از مغرب و مشرق ایران در زمینه افکار و سلیقه‌های نوین یاری کردند. اگرچه فرهنگ و حتی زبان یونانی، اعتبار آنان را تحت سلطه اشکانیان (۲۲۴ م - ۲۵۰ ق م) حفظ می‌کند. حکام و مناطق یونانی‌نشین در آسیای مرکزی (باکتریان [باختریان] و...)، در اوایل امر ارتباط مستقیم خود را با برادران غربی‌شان از دست دادند و خط پیشرفت و استقلال تدریجی خود را دنبال کردند. تحت فشار مردمان تازه وارد از سمت شرق آنان به طرف جنوب و به سمت هندوستان رانده شده، و در آنجا نفوذ کردند و تأثیر فرهنگی و باستانی خود را بر مردم جنوب «هندوکش» به مرحله اجرا درآوردند. ضمن اینکه اشکانیان در بخش غربی در فعالیت بودند، ایران شرقی زیر سلطه مهاجمان تازه رسیده از سرزمینهای دارای فرهنگ و تمدن چینی قرار می‌گرفت.

بخارا<sup>(۱)</sup>، ترمذ، بلخ، بامیان، کابل و حتی سیستان دارای بقایای اصل و ریشه و نوشته‌های بودایی است که در زبانهای ایرانی در ترکستان چین یافت شده و بازتابی است از یک ایران شرقی بودایی، که بیشتر محلی، اما دارای ماهیت خاص خود می‌باشد. به طور غیرمستقیم این جدایافتگی

۱. معنی نام آن و بهاری بودایی است.

اجازه نفوذ و رسوخ اثرات جدید غربی را می‌داد. در حالی که نیروی فزاینده روحانیون زرتشتی، مذهب رسمی را در امپراتوری ساسانیان تحت الشعاع قرار می‌داد، مسیحیان، مانویان موفقانه به تبلیغات خود در محیطها و حال و هوای نامتفاوت ایران شرقی می‌پرداختند.

۲. اسلام به منزله غلطک عظیمی برای مسطح کردن خاورمیانه و خاور نزدیک است، لیکن حتی در ادوار اسلامی، اختلافات عقیده‌ای و خصوصی بین غرب و شرق ادامه دارد. میزان دانش ما هنوز برای تفهیم دقیق کل مسئله نارساست. ولی با شکست در یک چنین تحقیقات مهمی شاید خلاصه کردن موضوع مورد بحث مفید واقع شود، که موضوع دارای نتیجه مهم و روشنگرانه‌ای در نقش مربوط به شرق و غرب در فرهنگ و هنر ایرانی بود و دانشمندانی همچون هارتمان M.Hartmann و ج. استرزیگوفسکی J.Strzygowsk دیتس Diez، هرتسفلد Herzfeld و بارتولد V.Barthold فقید بدین مهم پرداختند.<sup>(۱)</sup>

آغازگر مبحث، مارتین هارتمان، دانشمندی با اندیشه و فکر محققانه بود که در پاره‌ای از اوقات، بدون مقدمه و به طور غیر منتظره‌ای مسائل پیچیده و مهمی را عنوان می‌کرد.<sup>(۲)</sup> در حال حاضر ۱۹۰۵م<sup>(۳)</sup> با مرور اثر

۱. Grosso modo ما بر دلایلی که در مقاله بارتولد تحت عنوان «مسئله ایرانیان شرقی Vostochno-Iranskiy Vopros در، 1922, pp. 361-384، IZVESTIY materialnoy kulturi, II» که به علت مسائل زبان، تقریباً در اروپای غربی ناشناخته مانده است. برغم اهمیت بسیار عظیم آن، تکیه می‌کنیم.

۲. از م. هارتمان M.Hartmann باید از طرف دانشمندانی که از مجموعه کتب او استفاده می‌کنند، یا سپاسگزاری و قدردانی یاد شود. که اکنون این کتب بخشی از کتابخانه → ←

ف. ساره F. Sarre درباره گلدانها و ظروف سفالین متعلق به بین‌النهرین،<sup>(۱)</sup> هارتمان این ادعا را به اثبات رسانید که آسیای مرکزی نقطه فعالیت و پیشرفت بوده و در آنجا فرهنگ و تمدن قرون وسطایی اسلام درخشیده است. ساره قاطعانه و متقابلاً پاسخ داده است که:<sup>(۲)</sup>

«در بین‌النهرین و ایران، نه در توران زمین... آیا ما موضوعی را با نام «مهد تمدن و فرهنگ» که بر روی آن هنر ساسانی و ایران اسلامی ظهور کرد و بعداً توسعه یافت، شناسایی نکردیم».

درباره تولیدات با کیفیت عالی در آسیای مرکزی، اطلاعات بسیار اندک است. تندیسهای بودا نه هنری هستند و نه اصالتی دارند. هرگاه سبک مغولی توسط نقاشان ایرانی ارائه شده است در این صورت تهاجمات مغول در قرن سیزدهم، دلیلی معقول برای آن بوده است. در آن روزگاری که مغولها طبقه حاکم را تشکیل می‌دادند، مغولی «سمبل زیبایی» شناخته شد، ولی انجام امور و هنر به صورت ایرانی - بین‌النهرینی در دستهای طبقات زبردست و اتباع باقی ماند. طبقه اخیور

یعنی طبقات زبردست و اتباع، به احساسات هنری خود وفادار ماند، ولو اینکه ظاهراً باب طبع هیأت حاکمه و بخاطر امتیازی بوده که به آنها می‌دادند. می‌دانیم، ایرانیانی که سلجوقیان را تا آسیای صغیر همراهی کردند، در آنجا معماری بدیع و اعجاب‌انگیزی خلق نمودند.<sup>(۱)</sup> ما آگاهیم که تیمور معماران ایرانی را از اصفهان برای تغییر شکل و نمای سمرقند و بخارا به اقامتگاههای با شکوه و زیبا، به آنجا برد.<sup>(۲)</sup> و نیز می‌دانیم که به فرمان جانشینان او، معماری و نقاشی مینیاتورهای ایرانی به هندوستان هم منتقل و در آنجا مستقلاً رونق یافت.

در مقاله‌ای در مورد مبحثی بسیار پیچیده و مبهم،<sup>(۳)</sup> م. هارتمان دفاعیه خود را درباره آسیای مرکزی چنین پیگیری کرد:

«درخشانتین اسامی در پیشرفت روحانی اسلام اولیه، بخاری، سمرقندی، ابواللیث ترمذی و دیگران ... هستند که اشاره به یک شکل هندسی (چهار ضلعی غیر منتظم) کرده‌اند که مرو، سمرقند، هرات و بلخ رؤس آن را تشکیل می‌دادند. خصوصاً بخش شرقی آن شامل ماوراءالنهر و بدخشان اسرارآمیز در مجاورت و همسایگی آن بود که بدون وقفه و از

۱. ساره به نسخه خطی در مدرسه سرچلی در قونیه مرجوع می‌دارد که در کتاب وی به نام:

*Reise in Kleinasien*, Berlin, 1896, p. 54 نقل شده است.

۲. رک بد: نسخه خطی در موضوع «گور تیمور»، *Denkmaler pers. Baukunst*, face. 5.

3. *Die Tradenten erster Schicht im Musnad des Ahmad ibn Hanbhal MS/DS*, 1906, IX/2/7r. 148.

3. OLZ, 1905, July, pp. 277-283.

1. *Islamische Tongefasse aus Mesopotamien. in Jahrb.d.k. Preuss. Kunstsammlungen*, XXVII, 11 Heft, 1905.

2. OLZ, 1905, December, p. 541.

هر جهت بخشهای غربی دنیای اسلام را پر بار می ساخت.»

قبایل مهاجر ترک که از جانب شرق رسیده بودند، مسلماً هیچ ذائقه هنری نداشتند به علاوه هیچ تعصبی نیز که ثابت کند اجتماع زنده‌ای هستند از خود بروز ندادند، و همراه آنها هنرمندانی از اویغورستان، کشوری که تولیدات هنری هنوز در آنجا ادامه داشت، آمدند. کشوری دارای تندیسهای بی‌شمار بودا و جمعیتی مرکب از انواع قیافه‌های تصویر گونه از مذکر و مؤنث.

در ۱۹۱۷ پروفیسور استرزیگوفسکی<sup>(۱)</sup> به این مبحث پیوست و نظریه‌ای را که فقط رئوس آن توسط هارتمان ابراز شده بود، تأیید کرد. با توجه به تصاویری که بر روی ظروف سفالین نقش شده و شرحی که ساره درباره آن داده است، او این سؤال را به صورت فرمول بدین گونه مطرح کرد:

«آیا اشکال و هیاکل انسانها در هنر اسلامی شرق مربوط به شرق قدیم و یونان باستان وجود داشته، یا دارای ریشه چینی - هندی بوده است؟»  
با یک تجزیه و ترکیب نسبی که در مورد بعضی از مجسمه‌های کوچک گاه‌علوم انسانی و مطالعات ژئال جامع علوم انسانی پیدا شده در ویرانه‌های افراسیاب نزدیک سمرقند<sup>(۲)</sup> انجام گردیده، نقش قابل توجهی فرض شده، و استرزیگوفسکی به این نتیجه می‌رسد که گلدانها و ظروف سفالین بین‌النهرین<sup>(۳)</sup> قبل از ساخته شدن در سکا -

1. *Altai - Iran*, Leipzig, 1917, pp. 959-272

۲. مثالهای استرزیگوفسکی اکنون می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای از دو طرف هم توسط ترکستان شرقی و هم افغانستان مورد ابراد و اعتراض واقع شود.

۳. مؤلف همواره این کیفیات و حالات را در بین ویرگولهای وارونه (علامت نقل قول «<

ترکی در دوران قبل از اسلام، مورد نیاز بوده‌اند. طرحهای اخیر با خاک (ایرانی - بین‌النهرینی) و به وسیله هنر بادیه نشینان که موضوع مورد مطالعه مؤلف آلتایی - ایران را تشکیل می‌دهد، به صور دائم ماندگار شدند.

بعداً، بزودی شاگرد استرزیگوفسکی به نام دیتس Diez<sup>(۱)</sup> با پیگیری جای پای استادش، ادعا کرد که ایفاگر نقش راهنمای فرهنگی در مورد خطه خراسان است. خطه خراسان آن محدوده جغرافیایی است که در معنای وسیع و اصلی آن دارای استانهای توسعه یافته‌ای از سمت شرق تا منطقه جیحون<sup>(۲)</sup> است دیتس می‌گوید خراسان همواره ظرفی بزرگ جهت بلع یا حل طوایف و مردمان گوناگون در خود بوده است.

زرتشت‌گرایی و میتراگرایی از جانب بلخ رواج یافت. در خراسان مبارزاتی علیه خلفای عباسی که نتیجه آن از پیش تعیین شده بود، انجام گرفت. در اینجا نخستین سلسله مستقل طاهریان، صفاریان و سامانیان ناگهان ظاهر شدند. در خراسان تنها قدرت مطلق و ارزشمند که حکومت کرده، در یک کلمه «شمشیر» است و پس. در اینجا محمود غزنوی گروههای فاتح مسلمانان جهان را دعوت کرد و برای نخستین بار ادغام و یکی شدن ایران و هند را به مرحله اجرا درآورد. اقدامات او توسط سلجوقیان = مغولها، و تیموریان دنبال شد. تحت فرمانروایی این سلسله اخیر، خراسان به اوج شهرت و پیشرفت فرهنگی خود رسید. همچنین در

→ « قرار می‌دهد.

1. *Churasanische Bandenkmaier*, Berlin, 1918, pp. 4-10.

۲. خراسان، یعنی محلی که خورشید طلوع می‌کند.

خراسان تقریباً کلیه عوامل توسعه از قبل تصمیم‌گیری شده که بر مسلمانان ایران اثر می‌گذاشت، پایه‌گذاری شد. در اینجا و ماوراءالنهر، فردوسی شاعر ایرانی، پای به عرصه هستی گذاشت. فردوسی، ناصر خسرو، عمر خیام، جلال‌الدین رومی، فریدالدین عطار برخاسته از این استان می‌باشند. چهار شهر تاریخی خراسان مهمترین مراکز فرهنگی و فعال آن به شمار می‌روند. گفته‌های دیتس نه دست اول‌اند و نه عاری از اشتباه<sup>(۱)</sup>، و نتیجه‌گیریهای او هم قدری دور از باور می‌باشند. مختصر عطف توجهی که در مطالعات تاریخی نسبت به خراسان شده و اهمیت خارق‌العاده آن به عنوان مرکز و نقطه شروع فرهنگ و تمدن ایران از قدیمترین ایام، با گفته‌های دیتس در تضاد عجیبی است.<sup>(۲)</sup> مسلماً این گستاخانه‌تر می‌بود که قسمت اول اظهارات را فقط به مطالعات تاریخی درباره هنر ایرانی محدود می‌کردیم،<sup>(۳)</sup> و از مبالغه در مورد قسمت نهایی آن می‌کاستیم.

در یک پاسخ پرمحتوای مستند<sup>(۴)</sup> ای. هرتسفلد E. Herzfeld استثنایی برای نظریات ابراز شده توسط طرفداران استرزیگوفسکی

۱. نوبهار بلخ (ویهارا) عبادتگاه بودائیان بود و نه پرستشگاه زرنشتیان.

2. Seine ausserordentliche Bedeutung als Zentrum und Ausgangspunkt der iranischen Kultur seit den ältesten Zeiten. O.C., Preface, p.6.

۳. ولی ما، مطالعات و تحقیقات بسیار مهم و ارزشمندی درباره خراسان از و. گایگر - ولهاوزن، مارکوارت و بارتولد در اختیار داریم.

4. Khorasan, Denkmalsgeographische Studien Zur Kulturgeschichte des Islam in Iran, Der Islam, XI, 1991, pp. 107-174.

قابل شده و کوشیده است اهمیت استانهای غربی ایران را نشان دهد. این کاملاً صحیح است که هیچ بنای عهد هخامنشی هنوز درخشندگی و رونق شرق همدان را به همراه نیاورده است و با توجه به ابنیه باستانی عهد ساسانیان، حتی جغرافیدانان عرب<sup>(۱)</sup> نیز از این واقعیت شگفت زده شده‌اند که آنان شرق الوند را که مشرف بر همدان است در مد نظر قرار نداده‌اند.

ولی هرتسفلد بحق به ارتباط نزدیک هنر مادها و هخامنشیان با تمدن غربی عیلام، بابل، نینوا، اورارتو اصرار می‌ورزد و به علاوه، نشان می‌دهد که به غیر از یکصد شهر بنا شده توسط ساسانیان، هشتاد و چهار شهر در غرب قرار گرفته است. تنها دو دوره است که هرتسفلد نقش رهبری شرق را در آن اعتراف می‌کند: یکی عهد یونان باستان و دیگری مربوط به تجدید حیات هنر ایرانی (از حدود ۸۳۰ بعد از میلاد). او فکر می‌کند که طی یکی از دو دوره برابر تأثیر هنر یونانی بایستی به «خاک بکر» که نمایانگر ایران شرقی است، اشاره شود. ضمن اینکه طی دوره دوم<sup>(۲)</sup> سادگی اشکال هنری پیش‌بینی پیشرفت و ترقی قبلی را با اشکال مواجه می‌سازد.

رئوس مطالب مورد توجه هرتسفلد در مستندات کاملاً روشن آن نهفته است. ولی به عنوان یک اظهار نظر مخالف با دلایل دیتس کاملاً و به طور درست قانع‌کننده نیست. ایران شرقی همچنان که ما کوشیده‌ایم در

۱. ابن‌فقیه، ص ۲۲۹؛ یاقوت، ج ۴، ص ۹۸۵. با وجود این، هم این فقیه و هم این رسته از دو قصر ساسانی در شرق همدان ذکر می‌کند.

۲. در اینجا به طور وضوح منظور فرم و سبک معماری است.

فوق تشریح نماییم، می‌بایستی در مفهوم وسیعتر نسبت به خراسان و ماوراءالنهر هر دو درک و فهمیده شود، و نقش هنری آن نباید تنها به رشته معماری و مهندسی محدود گردد. هر چند حتی در آن صورت، ابنیه باستانی ایران شرقی دوران اسلامی، مکان شامختری را اشغال خواهد کرد.<sup>(۱)</sup> مکتب نقاشی هرات (قرن پانزدهم میلادی) به تنهایی دارای امتیاز و شأن والایی در مقیاس خراسان بزرگتر است. بارتولد یک دیدگاه پیچیده‌تر تاریخی را در مقاله فوق‌الذکر خلاصه می‌کند، و مسأله شرقی‌ها و غربی‌ها را در آن قید کرده است. بارتولد به نقش شرق در تشکیل تاریخ قهرمانانه ایرانیان تأکید می‌ورزد و فکر می‌کند که وجود یک بخش بودایی ایران برای فرهنگ و ادب مسلمانان کم‌اهمیت‌تر از ایران ساسانیان نیست.<sup>(۲)</sup> نقوش برجسته اسب و سوارکننده‌کاری شده بر آثار باستانی اشکانیان و ساسانیان، که در زمان هخامنشی ناشناخته بود، در جنبشهای چنان مردمی که اسب را عاشقانه دوست می‌داشتند، مانند پارتی‌ها و سکاها - معنی و مفهوم خود را به دست آورده‌اند. تحت فرمانروایی ساسانیان، شهر بزرگ و با اهمیت نیشابور در خراسان ساخته شد، و مرو وسیع‌تر از جی (اصفهان آینده) بود. ویرانه‌های کشف شده در سیستان

۱. در این قسمت کتاب مهم و پرمحتوای دیتس همراه با ملحقات آن تحت عنوان *Persian, Islamische Kunst in Chorasane* ۱۹۲۳. وجود دارد. برای ماوراءالنهر رک بعد:

Kohn - Wiener, *Turan*, 1930

۲. رک بعد: بارتولد

*Die Persische Subbia und die moderne Wissenschaft in Zf. Assy.*, XXVI, 1912, p.

توسط سر. آ. استین<sup>(۱)</sup> Sir. A. Stein و استخوانهای یافته شده در سمرقند<sup>(۲)</sup> دارای بزرگترین و قابل قبولترین وزن و اهمیت در مطالعه و تفسیر هنر ساسانیان و یونانی - بودایی خواهد بود. از منابع مختلف، در مورد کنده‌کاریها (حجاریهای روی چوب) نشان دهنده اشکال حیوانات که در ایران شرقی به مرحله اجرا درآمده است، مطالبی درمی‌یابیم.<sup>(۳)</sup> برای تکمیل ابنیه بی‌شمار یاد شده توسط هرتسفلد، بارتولد حقیقت مهم زیر را نقل می‌کند:

اعراب شهر جدید بروقان را در نزدیکی ویرانه‌های بلخ بنا کردند. ولی

۱. رک بعد: سیاحت‌های جدید انجام شده در افغانستان توسط گدار، هاکن و بارتوکس.

۲. آنها زیورآلات ساسانیان و سرهای یونانی را بر خود حمل می‌کنند.

۳. بارتولد، O.C., ۳۷۹. در ۷۲۳ میلادی، نصرین سیار حاکم عرب خراسان مقیم بخارا، فرمانی صادر کرد که به عنوان هدیه به غرب، گندانهایی از طلا و نقره به شکل سرگوزن، بز کوهی و غیره فرستاده شود. طبری، ج ۲، ص ۱۷۰۵. نرشخی، مورخ بخارایی متولد ۸۹۹ م، می‌گوید: در عهد او در بازاری در بخارا، «بت‌ها» یعنی احتمالاً اشکال سفالی انسان و حیوان به فروش می‌رسیدند. ابن حوقل، (نیمه دوم قرن دهم) صفحه ۳۶۵. در یک مکان عمومی سمرقند که صور و هیاکل بسیار عجیبی، کنده‌کاری شده از چوب کاج به شکل حیواناتی از قبیل اسب، گاو، شتر و حیوانات وحشی ساخته بودند. مشاهده کرده که به طوری روبروی یکدیگر قرار داده شده بودند که گویی سعی داشتند از یکدیگر یا از نزدیک شدن به یکدیگر با یک حالت احساس خطر و یا تهدید، احتراز کنند.

[به عنوان موازنه در غرب می‌توان قصر مشکیه Mushkuya (بین ری و ساوه Sava) را

نقل کرد. که در آنجا اشکالی از چوب کنده‌کاری شده، قرار داشت. ابن رسته، ص ۱۶۸؛ و.

قصر بوهستا، نزدیک همدان، هر زاویه از آن که با صورتها و اشکال دوشیزگان جوان

ترتیب یافته است. ابن فقیه، ص ۲۵۵.]

سرانجام در ۷۲۵ میلادی بلخ قدیم به امر و دستور برمک بازسازی شد که هیچ‌گونه تفاوتی با بلخ قبلی زمان روحانیان بودایی نداشت. فقط در سمت شرق ایران بودایی، فرهنگ و هنر نژاد تابع چنان بر اعراب پیروزی یافت که شهر منهدم شده توسط فاتحان عرب، باز به نفع بازسازی یک شهر اسلام - اولیه تمام شد؛ علائمی از هنر و فرهنگ از ازمینه بسیار قبل در شرق شناسایی شده بود؛ در سمرقند، کاغذ پارچه‌ای در اواسط قرن نهم مورد استفاده قرار می‌گرفت. در حالی که این هنر، تنها زمانی که اقامتگاه جدید خلیفه در اواسط قرن نهم در سامره ساخته شد، به مصر رسید. با این همه، متخصصان، از مصر برای تهیه لوله‌های پایروس دعوت شدند. از طرف دیگر با اینکه گنبدها از ایران شرقی گسترش پیدا می‌کردند، موزائیکها از غرب به شرق برده می‌شدند. افول خراسان را نمی‌توان با طوفان بلایای سیاسی که بر آن وارد آمد، تشریح کرد. خراسان سریعاً و به صورت چشمگیری بعد از هجوم تیمور ترقی و رونق یافت. به احتمال قوی عاملی که سبب ویرانی خراسان گردید، به وجود آمدن شهرهای بزرگ ایران مرکزی تحت نظارت اسلام بود. در قرون هشتم - نهم میلادی، خلفای عباسی ری را بازسازی کردند و هم زمان با آن، اصفهان رو به ترقی و پیشرفت نهاد. به عنوان یک امر ملموس و مشابه از تاریخ فرهنگی، تنزل و افول خراسان را نمی‌توان با یک معیار دارای تسلسل تاریخی صرف مطابقت داد. مدتهای مدیدی خراسان فاقد یکپارچگی هنری و فرهنگی بود. در اوایل قرن چهاردهم میلادی به امر فرمانروای مغولی که قبلاً حاکم خراسان بود، حرکت و جنبش الهیون سنی

آن استان، به سمت غرب گسترش یافته و رو به تزاید نهاد. (۱) در حالی که در همان قرن، سبزواری مرکز قدیم تشیع آغازگر، یک حرکت سیاسی شیعی گردید، که در تمام اطراف و اکناف خراسان اشاعه یافت. تا زمان تیمور و جانشینانش هیچ نشانی از نفوذ شرقی در معماری غربی نمی‌توان یافت، در حالی که در شرق، معماران و سازندگان ابنیه از اهالی بومی شهرهای غربی مانند اصفهان، شیراز و تبریز بودند. فقط در هنر نقاشی شاید نشانه‌های کوتاه و زودگذری از نفوذ شرق را بتوان ملاحظه کرد. گزارش شده است که این هنر به داخل کشور ترکیه (عثمانی)، در سلطنت سلطان بایزید دوم، (۱۵۱۲-۱۴۸۱ م) توسط یکی از اهالی ترکستان به نام «بابانقاش» معرفی و گسترش یافت. (۲)

بارتولد اعتراف می‌کند که در حال حاضر دانش ما، بیشتر از جهت اتکای چند جانبه ایران غربی و شرقی مبهم و نارسا باقی می‌ماند. ولی می‌توان گفت حتی در این موقعیت، ناهماهنگی و تناقض نظریات یک جانبه و غالباً مستبدانه استرزیگوفسکی و همکارانش از یک طرف، و ساختگی بودن نظریه هرستفلد به طور ساده و واضح از طرف دیگر، به ثبوت رسیده است. به عنوان نتیجه تحقیقات و مطالعات آینده، تصویری

۱. بارتولد به حنفی عالم و فقیه که بنابر امر اولجایتو وارد آذربایجان گردید، اشاره می‌کند. رک به: دوره نشریات بنوشه:

*Intraduction a l'histoire des Mongols in Mir Islama*, 1912, 1/1, p. 101.

۲. اولیا چلبی، ج ۶، ۱۵۲. برای مینیاتورهای ترکی رک به: فهرست آثار چاپی مؤلف. شماره ۱۹۰ و ۲۰۰ و خیلی جدید و به عبارت دیگر اخیراً:

G.M. Meredith - Owens, *Turkic miniatures, British Museum, 1963*.

بسیار پیچیده و پر از تضاد را می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که آن را نمی‌توان از بین برد، مگر به وسیلهٔ آزمایش و تحقیقی بسیار دقیق و کامل نه تنها در مورد حجم سیر تکامل فرهنگی، بلکه در مورد نتایج و اثرات حاصله از آن. تردیدی نیست که ذره و رگه‌ای از حقیقت، حتی به مقیاس اندک آن، در عقیده م. هارتمان وجود دارد. لیکن وی با غوطه‌ور شدن در تفصیل از درک و دریافت اصول و مبادی نشانه‌های حوادث تاریخی و پیوستگی متقابل آنها به یکدیگر، به جای کمک و همراهی با آن، ممانعت می‌کند. ولی در کلیهٔ شاخه‌های تحقیقات شرقی شامل: هنر شرقی، علاقه‌ظاهری و تفننی به صنایع مستظرفه و نتیجهٔ حتمی آن به طور غیر قابل مقایسه‌ای، حتی خطرناکتر از یک تعصب و اعمال غرض در مورد جزئیات ظاهراً بی‌اهمیت، برای مدت‌های مدید باقی خواهد ماند.

## فرستی برای اندیشیدن

قهرمان سلیمانی

خراسان است اینجا

تألیف محمدجان شکوری

دفتر نشر فرهنگ نیاکان، چاپ اول، دوشنبه ۱۹۹۶.

درست است که تفکر و آفرینش فرهنگی محصول دوران ثبات اجتماعی است، اما بحرانها نیز می‌توانند وضعیت موجود را به هم بزنند. در بسیاری موارد این بحرانها به طرح سؤال می‌پردازند. بسیاری امور که در دوران ثبات اجتماعی بدیهی و مسلم و اثبات شده تلقی می‌شوند در مرحلهٔ گذار از بحران به معما بدل می‌شوند. دانشوران را و می‌دارد که در خصوص آنها به بررسی و تحقیق و تفحص بپردازند. در این مرحله مسائل اساسی طرح می‌گردد و پژوهشگر با مسائلی روبرو می‌شود که قبلاً یا در خصوص آنها فکر نکرده و یا ضرورتی او را به جستجو وادار نکرده است. تحولات اجتماعی که به دگرگونیهای فرهنگی منجر می‌شود، باعث مطرح شدن سؤالهای زیادی می‌شود که قبلاً مطرح نبوده است. آنچه ما در دو دورهٔ مشروطیت و انقلاب اسلامی تجربه کردیم، نمونه‌ای از این